

نمایشنامه‌ی خود، با سناریوی پیچیده و چند لایه‌ی تدارک دیده شده و سایه شوم نومی‌دی که طی سالیان گذشته بر سر ملت ایران گسترانیده‌اند، پایان نمایش را از پیش می‌دانستند. آنان در این راه برای ظاهر رقابتی دادن به انتخابات از چهره‌هایی از جریان منتقد درون حاکمیت بهره‌گیری کردند و بدون توجه و رسیدگی به تخلفات گزارش شده و اعتراض‌های مطرح شده و با تعجیل در اعلام نتایج شبه‌ناک مرحله اول انتخابات (که چه بسا می‌توانست سرنوشت انتخابات را تغییر دهد) در عمل جایگاه ریاست جمهوری را به ریاست دفتر مقامات تنزل دادند و پازل مجلس و دولت مطیع و فرمایشی را کامل نمودند. این در حالیست که ملت ایران در سال ۱۳۵۷ که از بیداد، نابرابری، تحقیر و رانت خواری هزارفامیل و حاکمیت استبداد وابسته به ستوه آمده بود، انقلاب کرد تا دمکراسی، مردم سالاری و حاکمیت ملت جایگزین استبداد گردد و عدالت اجتماعی بجای تحقیر و تبعیض برقرار شده، جامعه مدنی و حکومت قانون مستقر شود. با دریغ پس از گذشت بیش از ربع قرن مبارزه برای استقرار مردم سالاری، پاسداری از منافع ملی و حاکمیت ملی، خواسته‌ها و شعارهای انقلاب محقق نشد و با وجود ساختار حقوقی موجود، مراکز قدرت فراقانونی، روحیه قانون‌گریزی و حاکمیت فردی و فقهایی آمیخته با سرشت خودکامگی، امکان تحقق آن خواسته‌ها میسر نمی‌باشد و شرایط روز به روز بدتر می‌شود.

هموطنان!

ساختار حقوقی به گونه‌ای است که علاوه بر عدم رعایت حقوق ملت در انتخاب نمایندگان مردم حق‌گزینش آزاد رئیس جمهوری نیز از ملت سلب شده است و در چارچوب این ساختار، شمار زیادی از هم‌میهنان از جمله

بانوان و پیروان سایر ادیان و مذاهب، اصولاً از حق انتخاب شدن محرومند و به سایرین نیز با همه شایستگی‌ها از سدهزارتوی شورای نگهبان اجازه عبور نمی‌دهند و کسانی که آمادگی تن دادن به حکم حکومتی را ندارند، باید به لیست بلند محرومان از حقوق شهروندی افزود. حاکمیت بایکدست کردن قوای سه گانه بر آنست با دنبال کردن سیاست تنش‌زا در روابط خارجی و تنگ و امنیتی کردن فضای سیاسی و کاربرد تهدید و خشونت هرروز بحرانی بی‌آفریند و با سرکوب آنگونه که در استان خوزستان و

بقیه در صفحه ۱۷

سخنی با ملت، هشدار به حاکمیت!



● بحران‌سازی از سوی قدرتمندان داخلی نه به منظور استیفای حقوق ملت ایران، بلکه برای مصرف داخلی و انحراف مبارزان ایرانی در احقاق حقوق اولیه‌ی خود در تأمین آزادی و دموکراسی است. همه آگاهند که برای ملت ایران مهمتر از مسأله اتمی و هرگونه اقدام دیگر، تأمین آزادی و استقرار حکومتی مردم‌سالار هدف اصلی است.

● ما امضاکنندگان بدور از هرگونه خشونت، برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن این زخمهای ژرف و خروج کشور از بن‌بست‌های پیش‌رو، خواستار اعمال اصلاحات راستین ساختاری برمبنای اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و الحاقیه‌های آن و تأمین آزادی‌های اساسی، عدالت و حکومت قانون با همکاری و حضور دلسوزان ملت که خارج از هرم قدرت حاکمیت هستند، هستیم.

به نام خدا

آبان ماه ۱۳۸۴

سرانجام روند تلاشهای هشت ساله‌ی اصلاح‌طلبی از درون حاکمیت به نافرجامی انجامید و از راه انتخابات سازمان یافته و پادگانی به سوی بنیادگرایی سوق داده شد و ایران دیرینه سال، امروز در گرانگاه سیاسی - اجتماعی بس خطیری با تردیدها، دغدغه‌ها و نگرانی‌های ویژه و پریشانیهای اجتماعی و آشفتگی‌های اقتصادی بنیادینی روبرو است. به دنبال نشر بیانیه‌های مشهور به ۵۶۵ و ۶۱۵ امضایی و پس از معرفی کابینه جدید، در راستای عمل به وظیفه‌ی ملی - میهنی خود، ضروری است مواردی را به استحضار ملت بزرگ ایران برسانیم.

هموطنان عزیز!

شرایط امروز میهن، درستی مواضع اتخاذشده در دو بیانیه‌ی یاد شده بویژه ۶۱۵ امضایی را به اثبات می‌رساند، در انتخابات ریاست جمهوری، بازی گردانان نمایش برای بروی پرده آوردن

درخواست رسمی کنسولگری جمهوری اسلامی



درخواست رسمی کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول برای استرداد دو پناهجوی ایرانی به به عنوان جاعل و کلاهبردار از سوی پلیس ترکیه رد شد. زیرا به گفته پلیس استانبول تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد این دو پناهجوی ایرانی مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی هستند نه سارق بانک و جاعل.

روزنامه رادیکال چاپ آنکارا نوشت پلیس استانبول دو ایرانی با نامهای حسن نهری و زهرا حسینی را که با پاسپورتهای جعلی وارد ترکیه شده‌اند دستگیر کرده است. این دو ایرانی در منزل فردی به نام زرتشت بازداشت شدند. به نوشته رادیکال، دیپلماتهای کنسولگری ایران در استانبول به طور رسمی از پلیس ترکیه خواستند این دو تن را به جرم جعل و کلاهبرداری از بانک، به جمهوری اسلامی تحویل دهد. اما پلیس پس از تحقیقات لازم متوجه شد که این دو ایرانی دستگیر شده، بر خلاف دعای مقامات کنسولگری ایران، جزو مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی هستند و مدتی است از بیم جان خود به ترکیه پناه آوردند. رادیکال در ادامه می‌نویسد تقاضای جمهوری اسلامی برای استرداد حسن نهری و زهرا حسینی پذیرفته نشد، زیرا این دو به دلیل مخالفتهای سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته و ایران مدتی است قصد دارد آنها را به تهران بازگرداند. به نوشته رادیکال این دو پناهجو پلیس استانبول را از عواقب وخیم دیپورت شدن به ایران مطلع کرده و به همین دلیل پلیس آنها را تا زمان رسیدگی به وضعیتشان در بازداشتگاه خود نگه می‌دارد. جمهوری اسلامی در سالهای گذشته با همکاری پلیس ترکیه توانسته بود شماری از پناهجویان سیاسی را به عنوان قاچاقچی و کلاهبردار به ایران بازگرداند. اما پس از اعدام دو تن از پناهجویان سیاسی بازگردانده شده در سال ۲۰۰۲، با نامهای کریم توژلی و خالد شوقی در زندان ارومیه، که اعتراض کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا علیه پلیس ترکیه را در پی داشت، وزارت کشور ترکیه نسبت به دیپورت پناهجویان سیاسی ایرانی حساسیت بیشتری نشان می‌دهد و بدون انجام تحقیقات لازم، به درخواست دیپلماتهای سفارت ایران عمل نمی‌کند.

قطعنامه پیشنهادی به مجمع عمومی سازمان ملل

و نقض حقوق بشر در ایران

کانادا رهبری ۳۸ کشور جهان را در عرضه پیش نویس قطعنامه ای به سازمان ملل متحد بر عهده گرفت که در آن از جمهوری اسلامی صریحا خواسته شده که به شکنجه و بدرفتاری با زندانیان و بازداشت شدگان در ایران پایان دهد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد هر سال در همین ماه گزارش سالانه کمیته حقوق بشر وابسته به آن مجمع را بررسی می‌کند و قطعنامه‌های مربوط به آن را به رای می‌گذارد. با اینحال قطعنامه‌هایی که مجمع عمومی تصویب می‌کند لازم الاجرا نیستند و تنها از دیدگاه‌های اخلاقی و روانی تاثیر دارند. کمیته حقوق بشر وابسته به مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال گذشته نیز قطعنامه ای در انتقاد از نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد. کانادا در حالی این قطعنامه را فراهم آورده که روابطش با جمهوری اسلامی در پی قتل زهرا کاظمی در بازداشتگاهی در تهران همچنان تیره است.



"ای رهبر آزاده؟! گرسنه ایم گرسنه"

حدود یک هزار و ۵۰۰ نفر از کارگران قزوینی و معلمان حق التدریسی جلوی درب مجلس تجمع اعتراض آمیز کرده‌اند. بنابر گزارش کارگران شرکت های مدنخ، فرنخ، نارنج شهرستان



قزوین به رغم باران شدید در جلوی درب مجلس تجمع کرده‌اند و خواستار دریافت حقوق خود که هشت ماه به تعویق افتاده است، هستند. این کارگران همچنین نسبت به واگذاری این شرکت‌ها به بخش خصوصی گلایه‌مند هستند. گفتنی است؛ معلمان حق‌التدریس استان فارس نیز ساعتی پیش به جمع آنها پیوسته‌اند و با محل پلاکارد و دسته نوشته شعارهایی اعم از؛ "الله اکبر الله اکبر" عدالت عدالت، "ای رهبر آزاده؟! گرسنه ایم گرسنه"، "فلسطین را رها کن فکری به حال ماکن" و "رییس مجلس ملاقات ملاقات" سر داده‌اند. معلمان حق‌التدریسی استان فارس خواستار استخدام آنها بدون قید و شرط در آموزش و پرورش هستند.

سهام سازمان زندان ها در مدیریت کلان کشور پس از شهرداری تهران در رتبه اول قرار گرفته است.

این اخبار در زمانی مطرح می شود که رییس حراست بانک کشاورزی هم به مدیریت بانک دیگر منصوب شده و در میان وزیران کابینه هم بیش تر تعداد را اعضای دفاتر سیاسی سپاه پاسداران و افرادی با پیشینه حضور در نهادهای اطلاعات موازی عهده دار شده اند.

آمار شکنجه و تجاوززنان مشهور به آسیب دیدگان اجتماعی

معاون دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی، در یک نمونه گیری از زنانی که به این مرکز مراجعه کرده اند؛ آمار و اطلاعات زیر را ارائه



داد: بررسی وضعیت سنی زنان آسیب دیده پذیرش شده در مراکز بازپروری سازمان بهزیستی نشان داد که بیشترین گروه سنی زنان آسیب دیده ۱۸ تا ۲۰ سال با ۳۱ درصد و به ترتیب ۱۵ تا ۱۷ سال ۲۴ درصد، ۲۱ تا ۲۶ سال ۱۹ درصد، و ۱۴ درصد نیز زیر ۱۵ سال سن داشته اند. ۵۰ درصد زنان آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری بیکار، ۲۱ درصد تن فروش، ۱۲ درصد خانه دار، ۶ درصد محصل و مابقی دارای شغل های آزاد و کاذب بوده اند.

به گفته رضایی فر ۳۸ درصد این زنان مجرد، ۳۲ درصد مطلقه، ۱۲ درصد متاهل و حدود ۷ درصد ازدواج موقت داشته اند.

۸۱ درصد زنان آسیب دیده جنسی دارای سابقه آزار دیدن در دوران کودکی خود بوده اند و ۱۴ درصد آزار جسمی، ۶ درصد جنسی، ۹ درصد عاطفی، ۵ درصد مسامحه و غفلت، در دوران کودکی خود را مشاهده و ۴۷ درصد، برخی از این آزارها را توانان با یکدیگر در دوران کودکی تجربه کرده اند.

نامه آیت الله العظمی منتظری خطاب به همسر آقای اکبر گنجی

خواهر ارجمند خانم معصومه شفیعی

دام توفیقا

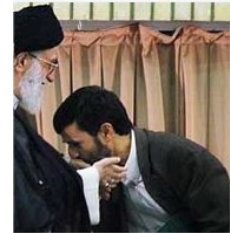
پس از سلام و آرزوی قبولی طاعات و اظهار همدردی؛ نامه مورخه ۴/۸/۱۳۸۴ شما را در مورد همسر مظلومان آقای اکبر گنجی خوانده و



براساس این گزارش؛ تاکنون به رغم سخنرانی قدرت الله علیخانی؛ نماینده بومین زهرا علیخانی؛ نماینده قزوین، محبوب؛ نماینده تهران و دبیر کل خانه کارگر در بین آنها، هنوز این تجمع کنندگان قانع نشده اند و به رغم شدت باران در جلوی مجلس حضور دارند و نیروی انتظامی و حراست نیز سعی در آرامش آنها دارند.

شش مسئول زندان، استاندار شدند

در حالی که روزنامه های مختلف در بین نامه خوانندگان خود از خالی ماندن استانداری مازندران ابراز نگرانی می کنند و از دولت می خواهند که هر چه زود تر استاندار



این استان مهم را تعیین کند معلوم شده است که معاون اداری و مالی سازمان زندان ها از سوی وزارت کشور به استانداری مازندران برگزیده شد در حالی که قبلا سه استانداری دیگر به اعضای سازمان زندان ها سپرده شده بود.

کارشناسان خبر می دهند که به این ترتیب سازمان زندان ها که در دوران گذشته عملا خود را با اطلاعات موازی تطبیق می داد، بعد از شهرداری تهران دومین سازمان تامین کننده پست های کلیدی کابینه شده است. گفته می شود عمده توجه وزارت کشور به سپردن استانداری ها به مدیران سازمان زندان ها به توصیه وزارت اطلاعات می تواند بود که اینک در راس آن کسی نشسته است که زمانی در راس اطلاعات موازی قرار داشت.

آن چه سازمان زندان ها را در مرتبه فعلی قرار داد و به بحث کشاند، تبلیغات و تدارکی است که برای سپردن استانداری مازندران به عباس رهی معاون اداری و مالی سازمان زندان ها صورت می گیرد و گفته می شود این انتصاب قطعی شده است در حالی که صولت مرتضوی مدیرکل امور اداری سازمان زندان ها هم قبل به سمت استاندار خراسان جنوبی قطعی شده بود. در همین حال مظفر الوندی مدیرکل روابط عمومی سازمان زندان ها هم برای استانداری کردستان در نظر گرفته شد. اولین و مهم ترین استانداری هم به تصرف مرتضی بختیاری رییس سابق سازمان ها زندان ها در آمد و قوام نودری مدیر کل دفتر فنی سازمان زندان ها به استانداری زنجان رسید و محمد رضا محسنی مدیرکل زندان های خراسان به سمت استاندار لرستان منصوب شد. به این ترتیب

شدند. در فرصت باقیمانده باید دوستان تمام تلاش خود را برای معرفی برنامه های خود و تشریح افق های آینده اتحادیه در حالی که صنف قدرتمندی داریم، به دیگر اعضای صنف به کار بگیرند. درباره حضور خود در انتخابات هیات مدیره اتحادیه ناشران از سوی جمع فرهنگی زنان ناشر باید بگویم من به طور قطع از سوی مجمع امور صنفی برای کاندیداتوری تایید صلاحیت نخواهم شد و به این خاطر علی رغم تمام تاکید های دوستان و اصرار های آنان در این انتخابات ثبت نام نکردم. اراده ای می خواهد انتخابات اتحادیه ناشران درسکوت برگزار شود و کاندیداهای یک جریان خاص را وارد هیات مدیره کند. قبلا هم این گونه بوده است که هرچه ارباب قدرت - که امکاناتی هم در اختیار دارند - اراده کرده اند عملی شده است و در نتیجه چنین اندیشه ای هم به سرشان خواهد زد که قدرت در اتحادیه را به دست آورند. جریان مذکور برای ناشران ناشناخته نیست آنها هم امکانات بیشتر و بهتری از دیگر ناشران دارند و همانطور که درنمایشگاه کتاب، هم شما وهم ما دیده ایم چگونه امور را به دست می گیرند و با دیگر ناشران چگونه برخورد می کنند؛ آنها امکاناتی دارند که هیچ کدام از ما نمی گیریم و امتیازاتی دارند که به هیچ کدام از ما نخواهند داد. این ناشر افزود: متأسفانه انتخابات صنف ناشر هم مانند دیگر مسائل ما " بو و رنگ " دولت را به خود گرفته و کاندیداهای هیات مدیره باید از سوی مجمع امور صنفی تایید شوند، و آنها هم دلیلی خاصی برای رد یا تأیید یک کاندیدا ارائه نمی دهند.

من درایام نمایشگاه کتاب هم در سرمقاله ای که برای گزارش کتاب نوشتم و هم در بحث هایی که با تک تک ناشران داشتم اهمیت داشتن یک اتحادیه قوی را به ایشان یاد آور شدم و پیشنهاد کردم که ناشران - خارج از جریان حاکم بر اتحادیه - ناشرانی را تقویت کنند و از ایشان پشتیبانی کنند به ایشان گفتم که اگر هر کدام از این جریان ها به درباره یک کاندیدای خاص به اجماع نظر برسند من هم حاضرم حامی تبلیغاتی آنها باشم و از کاندیدای مورد نظر آنها حمایت کنم.

گزارش یونیسف از وضعیت دختران و زنان در ایران

زنان و دختران در مناطق روستایی عقب تر از همگان شهرنشین خود هستند. تفاوت های منطقه ای باید فوراً مورد رسیدگی قرار گیرد تا



وضعیت عمومی زنان و دختران در ایران بهبود یابد. در مناطق

بسیار متأثر شدم. انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی برای این بود که ارزش های اسلامی محقق گردد و از ظلم و تجاوز اجتناب شود، ولی متأسفانه اینگونه عمل نشد. اینجانب بارها اعلام کرده ام که در صدر اسلام هیچگونه زندانی سیاسی وجود نداشت و زندانی نمودن افراد به اتهامات سیاسی، ظلمی است فاحش و اگر به نام اسلام انجام شود بدعت و خلاف شرع می باشد. اینجانب به عنوان کسی که در پیروزی انقلاب نقش داشته از ظلمی که به شما و امثال شما در این جمهوری می شود احساس شرمندگی می کنم. امیدوارم در این ماه مبارک رمضان تحولی در مسئولین امر پیدا شده و در کارهای خود تجدیدنظر نمایند و بیش از این اجازه ندهند با زندانیان در بند اینگونه ظلم و ستم شود و از قرار دادن خود و دیگران در معرض هلاکت پرهیز نمایند. (واتقوا فتنه لا تصین الذین ظلموا منکم خاصة). والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

می خواهند اتحادیه ناشران را منحرف کنند...

شها لاهیجی، مدیر نشر روشنگران - اراده ای وجود دارد که می خواهد انتخابات دهمین دوره اتحادیه ناشران و کتابفروشان را از مسیر خود منحرف کند و برای جلوگیری از این اتفاق



ناشران باید با تمام توان خود تلاش کنند که انتخابات این دوره با حضور وسیع اعضای صاحب رای برگزار شود. بیش از یک سال است که در اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران تلاش می کنیم که اهمیت داشتن یک اتحادیه قوی را به دوستان و همکاران خود گوشزد کنیم. متأسفانه چون تجربه ای در این مورد وجود ندارد و هرگز ناشران دریافته اند که اگر اتحادیه ای قوی داشتند چه می شود و چه قدرتی درونی و بیرونی پیدا می کنند. اعضای اتحادیه ناشران و کتابفروشان که نسبت به برگزاری انتخابات بی انگیزه هستند اگر به لزوم شرکت حداکثری خود پی می بردند، امروز به برگزاری انتخابات اتحادیه ناشران اهمیت بیشتری می دادند.

اگر ناشران می دانستند که داشتن یک اتحادیه قوی چه قدرتی برای آنها ایجاد می کند و ارتباطات وسیع جهانی خارج از مجرای دولتی برای آنها فراهم می می آورد به طور فعالتری در عرصه انتخابات اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران حاضر می

ضروری بحساب نمی‌آید. از این رو، کمبود اطمینان و اعتماد بنفَس در میان زمان وجود دارد. آمار رسمی نشان می‌دهد که میزان فعالیت‌های اقتصادی زنان ۳/۱۴ درصد است. اما در نبود آمار دقیق، مشکل می‌توان اشتغال زنان در حرفه‌های سنتی، تولیدان کشاورزی، خانگی و صنایع دستی را بدرستی ارزیابی کرد.

ایران هنوز باید با «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» موافقت نماید. شورای نگهبان که وظیفه نظارت بر مجلس را به عهده دارد، مخالف تصویب کنوانسیون است و بیان داشته که با قوانین شرعی همخوانی ندارد. یونیسف به تلاش‌های خود برای تصویب کنوانسیون ادامه می‌دهد.

هدف یونیسف افزایش آگاهی زنان درباره امور بهداشت، مشارکت در جامعه محلی و فرصت‌های اقتصادی است که از طریق استراتژی‌های نوین در امر بالابردن اعتماد به نفس زنان درباره توانایی‌هایشان در تصمیم‌گیری و مذاکره با دیگران و ارتقاء زنان به عنوان رهبران در خانواده و جامعه محلی صورت می‌پذیرد. یک نکته مورد توجه افزایش آگاهی در میان سیاست‌گذاران درباره نقش محوری زنان است که در جامعه محلی ایفا می‌کنند. با مشارکت دادن زنان در دیده‌بانی شاخص‌های جامعه محلی همچون خشونت خانگی و میزان ثبت‌نام دختران در مدرسه و ادامه تحصیل آنان، زنان ظرفیت خود را در ارزیابی، تحلیل و انجام اقدامات افزایش داده و نقش خود را به عنوان عوامل تغییر در جامعه محلی تقویت می‌کنند. همچنین مشارکت زنان در کمیته‌های توسعه روستا و اداره روستا تشویق می‌شود.

دادگاه ویژه روحانیت با روحانی متهم به قتل چه خواهد کرد؟

دادگاه قتل جوانی که با تیراندازی یک روحانی در متروی کرج بقتل رسید در دادگاه ویژه روحانیت و بصورت غیر علنی برگزار شد. در این جلسه که با حضور متهم به قتل و اولیای دم برگزار شد. دادگاه اولیه قتل را عمدی تشخیص



داده بود و ادعای «عسکران» مبنی بر اینکه حین انجام وظیفه تیراندازی کرده را وارد ندانست. پرونده از این مرحله به بعد به دادگاه ویژه روحانیت ارجاع شد و با آن که اعلام شده بود که این دادگاه علنی برگزار خواهد شد، جلسه روز گذشته غیر علنی بود. قتل در ایستگاه متروی کرج ساعت ۱۸:۳۰ عصر روز چهارشنبه چهارم خرداد ماه سال جاری بوقوع پیوست و در جریان آن جوان

شهرنشین، به طور نمونه، میزان زنان با سواد به نزدیک ۸۲ درصد رسیده است؛ در مناسق روستایی این رقم نزدیک به ۶۲ درصد است. در استان‌های محروم سیستان و بلوچستان، هرمزگان و آذربایجان غربی بویژه این ارقام پایین‌تر است و جایگاه پایین زنان نیاز به توجه فوری دارد. چالش‌های پیش رو عبارتند از: نبود مشارکت وسیع، نبود دسترسی به اطلاعات، آگاهی و منابع، خشونت خانگی و سطوح پایین مشارکت در برنامه‌های توسعه.

آموزش دختران

یونیسف تلاش می‌کند که دختران به مدرسه رفته و ترک تحصیل نکنند. توافق کلی بر این امر وجود دارد که برای تحقق تحصیل همگانی، استان‌های محروم باید به سطح ارقام ملی در این زمینه برسند. بطور نمونه، ارقام دولتی میزان ثبت‌نام برای تحصیل را ۲/۹۷ درصد نشان می‌دهد اما این ارقام در سیستان و بلوچستان میزان ۸/۸۱ درصد برای پسران و فقط ۵/۷۱ برای دختران را نشان می‌دهد. همچنین تلاش‌هایی هماهنگی باید برای تضمین تکمیل آموزش ابتدایی کودکان انجام پذیرد. ارقام مربوط به سال ۲۰۰۱ روند کاهش در میزان تکمیل تحصیل را نشان می‌دهد، فقط ۷/۵۲ درصد از پسران ۱۴ تا ۱۶ ساله آموزش ابتدایی را به پایان رسانده‌اند. عوامل بازدارنده در امر پایان رسانی تحصیل شامل وضعیت بد مدارس، آموزگاران کم تجربه، کمبود آموزگاران زن و نگرش منفی نسبت به تحصیل دختران می‌شود. یونیسف قصد دارد که حق آموزش برای دختران برخی مناطق استان‌های محروم را که بشدت آسیب‌پذیر، حاشیه‌نشین، و در خطر هستند، مورد حمایت قرار داده و تحقق بخشد. این پروژه روش‌های نوین برای درگیر کردن مردم منطقه را معرفی کرده و کودکان حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر را که پیشتر از تحصیل محروم شده‌اند، در بر خواهد گرفت. اقدامات دیگر شامل اصلاح مواد آموزشی و استفاده از روش‌های یادگیری و آموزش با مشارکت دانش‌آموزان است.

توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان شامل ارتقاء زنان در مدیریت در خانواده و محله است. پیشرفت زنان در ایران در سالهای اخیر چشمگیر بوده است، اما مشارکت آنان در برنامه‌ها توسعه اجتماعی یا جامعه محلی در سطح پایین باقی مانده است. گرچه زنان روستایی بخش عمده‌ای از نیروی کار را تشکیل می‌دهند، اما مشارکت آنان در روند تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، به علت دسترسی محدود آنان به تحصیل،

که بدلیل بیان نظرات ملی خود خلع لباس روحانی و زندانی شد نیز گفت: زندانی سیاسی در جامعه ما مورد احترام است و این جای بسی خوشوقتی است، اما درعین حال وجود زندانی سیاسی در کشور باعث نگرانی است. اهمیت کار خانواده‌های این زندانیان نیز کمتر از مقاومت خود این افراد نیست. فریبرز رییس‌دانا نیز گفت: حضور این جمع نشانی از پاسداشت آزادی و حرمت بیان است. تلاش‌های زیادی برای آزادی سلطانی صورت گرفته و از جمله بیانیه کانون مدافعان حقوق بشر در این زمینه است.

عمادالدین باقی، رییس انجمن دفاع از حقوق زندانیان نیز گفت: من سلطانی را تنها یک فعال سیاسی نمی‌دانم، بلکه یک حقوقدان برجسته نیز می‌دانم. مطمئن هستم اتهاماتی که به وی نسبت داده شده چیزی جز هتک حیثیت وی نیست. طبق قانون آیین‌دادرسی هیچ کس را نمی‌توان قبل از مشخص شدن مورد اتهام وی دستگیر یا زندانی کرد اما این امر به صورت رویه‌ای در دستگاه قضایی ما درآمده که خطایی آشکار است. حتی اگر اتهامی وارد باشد متهم و زندانی حقوقی دارد که باید رعایت شود و آن طرح پرونده در دادگاه صالحه است. در حالی که ما در پرونده سلطانی شاهد تخلفات متعددی از آغاز تاکنون بوده‌ایم. نرگس محمدی نیز در این تجمع اظهار داشت: آنچه مهم است و رییس قوه قضاییه نیز بر آن تاکید کرده رویکرد اخلاقی و انسانی به پرونده‌هاست و این که حقوق متهمان رعایت شود. آیا این حق است که طی ۱۰۴ روز بازداشت سلطانی خانواده‌ی وی تنها چهار بار موفق به دیدار وی شوند. عبدالله مومنی، دبیر سابق طیف علامه دفتر تحکیم وحدت در این مراسم گفت: سلطانی حق زیادی بر گردن دانشجویان دارد و کمترین حق وی بر گردن ما این است که از حقوق ایشان دفاع کنیم زیرا وی همواره بدون هیچ چشم‌داشتی و کالت دانشجویان را می‌پذیرفت. سیف‌زاده و دادخواه دو تن از وکلای مدافع سلطانی نیز در این مراسم با تاکید بر عدم وجود مورد اتهامی واضح در پرونده‌ی سلطانی ابراز امیدواری کردند که هر چه زودتر شاهد آزادی همکار خود باشند. معصومه دهقان، همسر سلطانی نیز در این تجمع، با تشکر از حضور دوستان و همکاران وی گفت: با وجود گذشت بیش از ۱۰۴ روز از حبس سلطانی تنها چهار بار موفق به دیدار وی شده‌ایم و هر بار به بهانه‌ای از ملاقات ما با وی جلوگیری شده است. در گزارش وزارت اطلاعات که گفته می‌شود شاکی وی بوده است حتی

۲۰ ساله‌ی با شلیک گلوله یک روحانی شاغل در پلیس از پای درآمد. هنوز معلوم نیست دادگاه ویژه روحانیت نیز حکم دادگاه اول را تأیید خواهد کرد یا نه. این قتل در برابر دیدگان عابران و کسبه محل صورت گرفت و حیرت همگان را برانگیخت. مقتول برای خرید دارو برای مادرش از خانه خارج شده بود و متهم به قتل در ایستگاه متروی کرج وی را به این بهانه که به زنی نگاه می‌کرده هدف گرفته و کشت.

اجتماع گسترده در خانه عبدالفتاح سلطانی

جرم از این بالاتر: دفاع از حقوق بشر در ایران

جمعی از فعالان و ستمدیدگان سیاسی و حقوقدانان ایران به همراه وکلای مدافع عبدالفتاح سلطانی وکیل خانواده زهرا کاظمی و اکبر گنجی در



اعتراض به ادامه بازداشت طولانی اما موقت او (!) در منزل او تجمع کردند. در این تجمع جمعی از نیروهای ملی مذهبی، ابراهیم یزدی، تعدادی از اعضای دفتر تحکیم وحدت، اعضای کانون مدافعان حقوق بشر، جمعی از اعضای کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا و انجمن دفاع از حقوق زندانیان، عمادالدین باقی و جمعی از همکاران و دوستان عبدالفتاح سلطانی حضور داشتند. فریده غیرت، نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز به نمایندگی از طرف جمع، مشخص شدن هر چه زودتر وضعیت سلطانی و رسیدگی قضایی به پرونده وی را خواستار شد.

شیرین عبادی، ابراهیم یزدی، یوسفی اشکوری، نماینده سازمان معلمان ایران، فریبرز رییس‌دانا، نرگس محمدی، عبدالله مومنی و دو تن از وکلای مدافع سلطانی (سیف‌زاده و دادخواه) طی سخنانی، آزادی و مشخص شدن هر چه سریع‌تر وضعیت پرونده وی را خواستار شدند. در این تجمع، شیرین عبادی برنده جایزه صلح جهانی طی سخنانی گفت: سلطانی، دوست، همراه و از بنیانگذاران کانون مدافعان حقوق بشر است. طبق گفته داسرا وی به ۶۵ مورد از سوالات، حاضر به جوابگویی نشده و کوچک‌ترین نشانه‌ای برای اثبات اتهام وی وجود ندارد.

دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی نیز در این تجمع گفت: هیچ چیز در شرایط فعلی برای فعالان سیاسی مهم‌تر از آرامش پشت جبهه نیست. یوسفی اشکوری روحانی آزادخواهی

نقاط جهان، از خانه‌ها و مدارس گرفته تا مراکز بازرسی و محل‌های کار خبر داد. نکته نگران کننده آن است که چنین حوادثی در سراسر نقاط جهان و در کشورهای فقیر و ثروتمند روی می‌دهد. به عنوان مثال در انگلیس کودکان زیر یک سال چهار برابر بیشتر از سایر گروه‌های سنی در معرض قتل قرار دارند و نکته نگران کننده‌تر آن است که تقریباً تمامی آنها به وسیله والدین خویش کشته می‌شوند. گونه‌ای دیگر از خشونت علیه کودکان اعمال شدن تبعیض‌های گوناگون جنسی به ویژه علیه کودکان دختر است، که سوء تغذیه از مهمترین آنها محسوب می‌شود. گفته می‌شود که در حدود ۱۰۰ میلیون زن و دختر زنده در سراسر جهان به واسطه چنین تفکراتی مورد خشونت قرار می‌گیرند. به گفته کارشناسان تحمل مشکلات فیزیکی در معرض مرگ قرار گرفتن و در نهایت معلولیت‌های گوناگون از مهم‌ترین نتایج چنین تفکراتی محسوب می‌شود. به گفته کارشناسان تبعیض قابل شدن از مهم‌ترین فاکتورهای آزار و اذیت و استثمار کودکان، به ویژه کودکان دختر در سراسر جهان محسوب می‌شود و نکته نگران کننده آن است که این مساله در بسیاری از جوامع ریشه دوانده است. به عنوان مثال از ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیون کودک معلول در کشورهای در حال توسعه تنها سه درصد توانایی حضور در مدرسه را دارند. همچنین عدم برخورداری از حق قانونی حراست از دیگر اشکال گوناگون اعمال تبعیض میان کودکان سراسر جهان از جمله کودکان کشورهای آسیایی محسوب می‌شود به گونه‌ای که در بسیاری از کشورها، شمار قابل توجهی از کودکان از هیچ حق قانونی در خصوص به ارث بردن اموال قانونی والدینشان برخوردار نیستند.

تظاهرات خشونت آمیز

اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا در حالی در شهر ساحلی ماردل پلاتا برگزار می‌شد که هزاران تظاهرکننده در مناطق مختلف آمریکای لاتین به ویژه آرژانتین علیه سیاست‌های آمریکا به اعتراض پرداخته بودند. روز گذشته تظاهرات در آرژانتین به خشونت کشیده شد و به گفته وزیر کشور آرژانتین حداقل ۶۴ نفر دستگیر شدند. به گزارش خبرگزاری رویترز تظاهرکنندگان با به آتش کشیدن یک بانک،



یک‌بار نیز کلمه جاسوسی ذکر نشده و مشخص نیست طی این مدت طولانی به چه علت وی در بازداشت است.

یونیسف کودکان زلزله زده پاکستان را واکسینه می‌کند

صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، برنامه گسترده‌ای را برای واکسیناسیون ۸۰۰ هزار کودک در مناطق زلزله زده پاکستان آغاز کرده است. این صندوق با اعزام ۶۰۰ گروه بهداشتی به شهرها و روستاهای کوهستانی و زلزله زده کشمیر، کودکان این مناطق را علیه بیماری‌های سرخک، فلج اطفال، دیفتی و کزاز واکسینه می‌کند. کارکنان یونیسف می‌گویند قبل از آنکه برف‌های زمستانی، منطقه را فراگیرد، باید هر چه زودتر به کودکانی که در مناطق دورافتاده کوهستانی پراکنده هستند، دست یافت.

آژانس کودکان سازمان ملل تا کنون ۳۰۰ هزار کودک را در مناطق زلزله زده کشمیر واکسینه کرده اما امیدوار است که ظرف دو هفته آینده، بتواند واکسن‌های سرخک، فلج اطفال، دیفتی و کزاز را در اختیار بیش از یک میلیون کودک زلزله زده قرار دهد. در زلزله ماه گذشته کشمیر حدود ۸۷ هزار نفر کشته شدند. امدادگران می‌گویند زندگی بسیاری از کودکان زلزله زده در صورت نرسیدن به موقع غذا، آب و مراقبت‌های بهداشتی به آنها در معرض خطر است.

گزارش تلخ یونیسف از کودکان سرباز

بیش از ۳۰۰ هزار کودک سرباز که برخی از آنها تنها ۸ سال سن دارند به طور اجباری در نیروهای مسلح بیش از ۳۰ کشور جهان به کار گرفته شده‌اند. بنابر گزارش، بر اساس آمار یونیسف برخی آمارها حاکیست که بیش از دو میلیون کودک طی یک دهه گذشته و در نتیجه مناقشات نظامی کشته شده‌اند. همچنین حداقل شش میلیون کودک نیز در جریان این مناقشات نظامی به شدت زخمی و یا تا پایان عمر معلول شده‌اند و در همین حال بین ۸ تا ۱۰ هزار کودک سالانه به واسطه حضور در مناقشات نظامی کشته می‌شوند. گزارش یونیسف در باره خشونت‌های گوناگون علیه کودکان سراسر جهان تصریح می‌کند که اعمال خشونت علیه کودکان ابعاد گوناگونی یافته است؛ بطوریکه می‌توان با ارائه مدارک روشنی از شکنجه آنها به اشکال گوناگون در بسیاری از

و وزارت دفاع آمریکا گفته است که با قبول این درخواست می خواهد نشان دهد که در صدد نیست چیزی را در گوانتانامو از دید جهانیان مخفی کند. در مقابل، ناظران حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته اند که گرچه به دلیل وضعیت خاص بازداشتگاه وضع برخی محدودیت ها را در جریان بازدید خود منطقی می دانند اما نمی توانند با ممنوعیت مصاحبه خصوصی با بازداشتیان موافقت کنند.

در حال حاضر، چند صد شهروند خارجی به اتهام ارتباط با اقدامات تروریستی در بازداشتگاه واقع در پایگاه نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج گوانتانامو، کوبا، زندانی هستند.

شرایط غیر قابل قبول

این زندانیان در جریان جنگ افغانستان یا در کشورهای دیگر اکثراً به ظن ارتباط با طالبان و شبکه القاعده و سایر سازمان های تروریستی دستگیر و در گوانتانامو در بازداشت به سر می برند.

دولت ایالات متحده این زندانیان را افراد مسلح غیر ارتشی می داند و در حالیکه از رفتار با آنان به عنوان اسیر جنگی خودداری می ورزد، به دلیل تابعیت خارجی و بازداشت در خارج از خاک آمریکا، این بازداشتیان از حقوق قضایی مندرج در قوانین ایالات متحده برخوردار نیستند. بازداشتگاه گوانتانامو در ژانویه سال ۲۰۰۲ و پس از سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان در پایگاه دریایی گوانتانامو ایجاد شد که از اوایل قرن جاری به طور استیجاری در اختیار دولت ایالات متحده قرار دارد هرچند دولت کنونی کوبا خواستار فسخ قرارداد اجاره و بازپس گرفتن آن بوده است.

اعتراض زندانیان و ناظران

پیش از این در چندین مورد گزارش هایی از اعتصاب غذای زندانیان در اعتراض به ادامه بازداشت آنان مخابره شده و مورد تایید مقامات آمریکایی قرار گرفته است.

تاکنون تعدادی از افراد بازداشتی در گوانتانامو آزاد شده و مقامات آمریکایی گفته اند که آزادی این افراد دیگر خطری را متوجه امنیت این کشور نمی کند. با اینهمه، هنوز هم حدود پانصد تبعه خارجی در این محل زندانی هستند و وزارت دفاع آمریکا، که مسئولیت بازداشتگاه را برعهده دارد، گفته است این افراد در دادگاه های نظامی محاکمه خواهند شد. تا کنون تنها نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ اجازه دسترسی مستقیم به زندانیان گوانتانامو را داشته اند. هیات ناظران سازمان ملل متحد، متشکل از سه نفر، با صدور بیانیه ای گفته است که نمی تواند شرط مقامات

غارت مغازه ها و زدو خورد با پلیس ضدشورش در اطراف هتلی که جورج بوش رئیس جمهور آمریکا با رهبران ملاقات داشت به خشونت کشیده شد. تظاهرکنندگان که غالباً طرفداران گروه های چپ در آمریکای لاتین بودند فریاد می زدند «بوش برو گمشو!» براساس این گزارش همزمان در شهرهای بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین، مونته ویدئو پایتخت اروگوئه و کاراکاس پایتخت ونزوئلا نیز هزاران تن دست به تظاهرات زدند. روزهای گذشته مخالفان سیاست های ایالات متحده در آمریکای لاتین به ویژه هوگو چاوس رئیس جمهور ونزوئلا، فیدل کاسترو رئیس جمهور کوبا، دیه گو مارادونا فوتبالیست مشهور با سخنان پرشور خود مردم را به اعتراض بر علیه سیاست های امپریالیستی آمریکا تشویق کردند. چاوس در جمع ۴۰ هزار نفری در شهر ماردل پلاتا گفت: اینجا در ماردل پلاتا تجارت آزاد را دفن خواهیم کرد! وی با ذکر اینکه آمریکا در نظر دارد به ونزوئلا حمله کند هشدار داد حمله امپریالیستی به ونزوئلا به معنای آغاز یک جنگ صدساله خواهد بود. گرچه بوش و چاوس هر دو در این اجلاس شرکت کردند اما هیچ نشست رسمی بین آنها برگزار نشد و بوش در جمع خبرنگاران گفت: در صورت ملاقات با چاوس مودب خواهم بود. این چیزی است که مردم آمریکا از رئیس جمهور خود انتظار دارند. دیروز جورج بوش در واکنش به تظاهرات گسترده ضدآمریکایی گفت: می خواهم از میزبانی دولت آرژانتین تشکر کنم. میزبانی این همه کشور به ویژه تقریباً میزبانی من کار بسیار سختی است. به گفته ناظران هدف بوش از سفر به آرژانتین بهبود وجهه آمریکا و پیشبرد هدف تاسیس منطقه آزاد تجاری بود.

ناظران سازمان ملل دعوت به گوانتانامو را نپذیرفتند

هیات ناظران حقوق بشر سازمان ملل متحد به دلیل ناکافی بودن امکانات پیشنهادی ایالات متحده در بازدید از بازداشتگاه



گوانتانامو از پذیرش دعوت مقامات آمریکایی خودداری ورزیده اند. در خواست ناظران حقوق بشر سازمان ملل متحد برای دیدار از کسانی که در بازداشتگاه گوانتانامو زندانی هستند سه سال پیش و کوتاه مدتی پس از ایجاد بازداشتگاه تسلیم مقامات آمریکایی شد

که بالغ است بر ۷۵۰۰ یورو، در روز ۱۹ ماه مارس سال ۲۰۰۶ میلادی در برلین تقدیم خانم منیره رحمان خواهد شد. در بنگلادش از سال ۲۰۰۰ میلادی تا کنون به بیش از هزار زن و دختر با اسید حمله شده است. پاشیدن اسید بر روی صورت یا دیگر نقاط بدن دختران و زنان موجب ایجاد سوختگی‌ها و زخم‌های شدید می‌شود. در همه موارد این مردان بوده‌اند که به زنان اسید پاشیده‌اند. انگیزه مردان می‌تواند بسیار متفاوت باشد: از خواست‌های برآورده نشده جنسی گرفته تا دعوا بر سر جهیزیه و زمین. به گزارش سازمان عفو بین‌الملل تنها ده درصد این موارد آشکار شده و پرونده‌هایشان در دادگاه مطرح می‌گردند. در بسیاری از موارد مجرمان و خانواده قربانیان بیرون از دادگاه با هم به توافق می‌رسند یا اینکه ماموران پلیس و قضات فاسد جلوی پیشرفت روند محاکمه را می‌گیرند. سازمانی که خانم منیره رحمان موسس آن است، در دو کلینیک مخصوص درمان زنانی را که بر آنها اسید پاشیده شده است بر عهده می‌گیرد. این سازمان همچنین به این زنان مشاوره حقوقی می‌دهد، برای آنان کلاس‌های آموزشی می‌گذارد و به آنان در یافتن کار کمک می‌کند. هدف درازمدت این سازمان این است که در قوانین بنگلادش قانونی برای پیگرد و مجازات قاطعانه اسیدپاشان گنجانده شود.

تنها متهم پرونده قتل زهرا کاظمی تبرئه شد

شعبانی، وکیل متهم پرونده قتل زهرا کاظمی پس از آن که حکم دادگاه تجدیدنظر به وی ابلاغ شد، در جمع خبرنگاران اظهار داشت که تنها متهم پرونده زهرا کاظمی که از



سوی شعبه هزار و صد و پنجاه و هشت دادگاه جزایی تهران تبرئه شده بود، از سوی شعبه سی و چهار دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز تبرئه شد. شعبانی گفت: در متن حکم صادره از سوی دادگاه تجدیدنظر آمده است «در خصوص سایر متهمان تحقیق کافی صورت نگرفته لذا پرونده باید برای تحقیق بیشتر در مورد این متهمان به دادسرای عمومی و انقلاب تهران ارجاع شود.» وی، تأکید کرد که در این حکم عنوان شده است: این که قتل عملاً و عامدا صورت گرفته باشد منتفی است و احراز نشده است.

آمریکایی در مورد خودداری از مصاحبه خصوصی با زندانیان را بپذیرند زیرا این شرط مغایر ماموریت حقیقت یابی آنان بوده و با هدف اصلی از بازدید که کسب اطلاعات عینی به منظور ارزیابی منصفانه است تضاد دارد. ناظران همچنین از اینکه ماموریت آنان تنها یک روز به طول می‌انجامد و مقامات آمریکایی به دو ناظر دیگر اجازه همراهی در این ماموریت را نداده‌اند ابراز ناخرسندی کرده‌اند. گروه‌های مدافع حقوق بشر در ایالات متحده و سایر نقاط جهان بارها شرایط بازداشتگاه گوانتانامو را مورد انتقاد شدید قرار داده و دولت آمریکا را به نقض حقوق اساسی زندانیان متهم کرده‌اند.

عفو بین‌الملل وجود زندان‌های مخفی آمریکا را تأیید کرد

سازمان عفو بین‌الملل وجود زندان‌های مخفی آمریکا در اروپای شرقی را تأیید کرد. سخنگوی سازمان عفو بین‌الملل اطلاعات منتشر شده در زمینه وجود زندان‌های ویژه سازمان سیا آمریکا در کشورهای اروپای شرقی از جمله لهستان و رومانی را تأیید کرد و گفت به این سازمان اجازه تحقیق در این باره داده نشد. جمانا موسی سخنگوی سازمان عفو بین‌الملل ضمن اعلام این مطلب افزود: دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا در بهار گذشته در مورد مخفی نگه داشتن این زندان‌ها از دید کمیسیون صلیب سرخ جهانی در برابر کنگره آمریکا شهادت داد و این نشان می‌دهد که حقوق بشر در این زندان‌ها نقض می‌شود. موسی گفت: پس از دستیابی به اطلاعات یاد شده درباره وجود چنین زندان‌هایی کوچکترین تردیدی وجود ندارد، اما کمیسیون صلیب سرخ جهانی تلاش می‌کند وقتی را برای ملاقات با زندانی‌ها فراهم سازد.



منیره رحمان فعال حقوق زنان در بنگلادش

جایزه حقوق بشر سال ۲۰۰۵ میلادی شاخه آلمان سازمان عفو بین‌الملل به خانم منیره رحمان، از فعالان مدافع حقوق زنان در بنگلادش تعلق می‌گیرد. خانم



منیره رحمان بنیانگذار بنیاد «جان‌به‌در بردگان از اسیدپاشی» برای زنانی است که قربانی ریختن اسید به بدنشان شده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد که جایزه حقوق بشر این سازمان در آلمان،

وضعیت حقوق بشر در چین



سازمان عفو بین الملل کمی

پیش از آغاز سفر هو جین

تائو، رییس جمهور و رهبر

حزب کمونیست چین، از

دولت آلمان خواست که با صراحت از نقض حقوق بشر در چین انتقاد کند و به چین نشان دهد که آلمان دیگر حاضر نیست پایمال شدن حقوق انسانها در این کشور را نادیده بگیرد. چین به لحاظ اقتصادی به سرعت در حال پیشرفت است. اما بهبودی در وضعیت حقوق بشر این کشور به چشم نمی خورد.

در چین از جرائم خشونت آمیزی چون قتل گرفته تا بزهکاریهایی عاری از خشونت، مثل نپرداختن مالیات و فساد مالی را می توانند با اعدام مجازات کنند. برای ۶۸ نوع جرم در چین مجازات اعدام در نظر گرفته شده است. به گفته جان کام، که از اعضای سازمان امریکایی مدافع حقوق بشر "دویی هوا" است برای اینکه شورایی امنیت ملی در پکن بتواند به سرعت دست به عمل بزند، فهرستهایی وجود دارد که در آنها نام عناصر سیاسی مشکوک قید شده است. جان کام می گوید که فهرستهایی در سطح محلی دارند که نام افراد مورد نظرشان در آن آمده است. برای نمونه نام خارجی هایی که به آنها مشکوک اند یا کسانی که به عنوان دست راستی به ایشان نگاه می کنند یا رهبران مذهبی ای که فعالیت های زیرزمینی دارند و همچنین نام کسانی که پیشتر به خاطر فعالیت های ضد دولتی دستگیر شده و سپس آزاد گشته اند.

هم اکنون به ویژه مسلمانان چینی در خطر هستند. از سال ۱۹۹۷ میلادی تا کنون به نام مبارزه با تروریسم بیش از ۷۰۰ اویغور مسلمان از ولایت چین جیانگ اعدام شده اند، چون به حکومت چین انتقاد کرده بودند. در ماه مارس امسال دولت چین حقوق بشر را در قانون اساسی چین گنجانده. با این کار چین به وظایف بین المللی خود به عنوان امضاکننده اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد عمل کرد. با وجود این هنوز هم هیچ کشوری را در جهان نمی یابیم که در آن به اندازه چین حکم مجازات اعدام صادر و اجرا شود. طبق آماري که سازمان عفو بین الملل منتشر کرده است تنها در سال گذشته میلادی حدود ۶۰۰۰ نفر در این کشور اعدام شده اند. از آنجا که بسیاری از اعدامها در خفا صورت

می گیرد، برآورد می شود که آمار واقعی اعدام شدگان در چین بسیار بالاتر از این باشد.

هم اکنون چین درصدد اصلاح قانون مجازات اعدام است. قرار است که دیگر مجاز نباشد که در ولایتهای چین حکم اعدام صادر شود. تنها دادگاه عالی کشور چنین اختیاری را خواهد داشت. چنین اصلاحی موجب خواهد شد که بر اعتبار چین در جهان در زمینه حقوق بشر افزوده شود. با این حال نیکولاس بکلین، که یکی از اعضای سازمان غیردولتی هنگ کنگی "حقوق بشر" است، چنین طرحهایی را خودفربیی محض می داند. بکلین می گوید: "قبل از این که ما بخواهیم در باره اصلاح مجازات اعدام صحبت کنیم، باید بدانیم که در اصل راجع به چه چیز حرف می زنیم. چند نفر در سال محکوم به مرگ می شوند و چند نفر را اعدام می کنند؟ اتحادیه اروپا مدتهاست که با چین در زمینه حقوق بشر گفتگو می کند. و به ظاهر هم موضوع کانونی گفتگوهای آنها مجازات اعدام است. اما ما هنوز هم نمی دانیم که در واقع در باره چه چیز صحبت می کنیم." در حالیکه دولت چین در خارج مرزهای این کشور پهناور از اصلاحات سخن می گوید در داخل از شدت فشار نمی کاهد. سانسور اینترنت همچنان ادامه دارد. تخمین زده می شود که بیش از ۶۰ نویسنده اینترنتی در زندانهای چین باشند. کسی که در چین نظری غیر از نظر دولت داشته باشد، در معرض خطر حبس و شکنجه قرار دارد.

نقض حقوق بشر در کانادا

سازمان عفو بین الملل در

گزارش مفصلی در سال

۲۰۰۴ به موارد متعددی از

نقض حقوق بشر توسط



پلیس کانادا در دستگیری افراد مظنون اشاره نموده و نگرانی خود را از مرگ تعداد بیشماری از افراد بر اثر استفاده افسران کانادایی از تفنگ تیزر (Taser) علیه آنان اعلام داشت.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در اینجا به مواردی که استفاده از تفنگ تیزر (تفنگی که با شلیک نیزه خاردار باعث بیهوشی افراد می شود) منجر به مرگ مظنونان در ایالت های مختلف کانادا گردید، اشاره می شود.

x ایالت بریتیش کلمبیا:

شواهدی بر استفاده‌ی گسترده پلیس کانادا از اسلحه تیزر که منجر به وارد آمدن صدمات و نقض عضو به شهروندان کانادایی گردیده است، گزارش کرده است:

× بریتیش کلمبیا:

۱- در فوریه ۲۰۰۴ افسر RCMP چندین بار در اوت ۲۰۰۱ از ناحیه صورت، اطراف کلیه، بازو و دست رابرت توماس ۳۰ ساله را که دارای پریشان‌حواسی نیز بود، با استفاده از تفنگ تیزر مصدوم نمود.

۲- در ۲۸ مارس ۲۰۰۳ ژرمین کوانسل، کانادایی فرانسوی‌الاصل به هنگام حمله‌ی افسر RCMP Richmond دچار سکنه قلبی گردید.

۳- در ۳۰ مه ۲۰۰۳ فلیپ اسپایسر، افسر ۵۸ ساله Richmond RCMP در داخل اتومبیل پاترول مورد اصابت تیزر از ناحیه شانه قرار گرفت.

× انتاریو:

۱- در ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ کمیسیون شکایات عمومی آژانس مستقل دیده‌بان حقوق بشری در گزارش نهایی خود به اجلاس سران کشورهای آمریکایی ۲۰۰۱ در کبک اعلام کرده است که پلیس RCMP از اسلحه تیزر علیه تظاهرات آرام در موارد متعددی استفاده کرده است.

۲- افسر RCMP فردی به نام پل اسمیت، نماینده‌ی سازمان داوطلبانه غیر انتفاعی محلی را که در حال عکس گرفتن از تظاهرات بود، افسر پلیس اتاوا دوبار با اسلحه تیزر به وی حمله کرد. بنا به گفته ناظران وی نه خشونت طلب بود و نه مبارز.

۳- خانم هایدی ریمکه به دلیل شرکت در تظاهرات، از سوی پلیس اتاوا از ناحیه سینه مورد اصابت تیزر قرار گرفت.

× آلبرتا:

۱- در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۲ افسران پلیس ادمونتون پس از دستگیری یک خانم دست‌های وی را بستند و برای ساکت کردن وی با اسلحه وی را مورد هدف قرار دادند.

۲- در ۵ اکتبر ۲۰۰۲ یک جوان بومی ۲۵ ساله توسط افسر پلیس ادمونتون مورد حمله قرار گرفت.

موارد نقض حقوق بشر بومیان در کانادا

ردلف استاونهانگن گزارشگر ویژه بررسی وضعیت حقوق بشر بومیان در خلال ماه ژوئن سال گذشته از کانادا دیدار نمود و

۱- در ۱۹ آوریل ۲۰۰۳، تری هانا، ۵۱ ساله به فاصله کمی بعد از هدف قرار گرفتن با اسلحه تیزر به وسیله افسران Burnaby RCMP کشته شد.

۲- کلیتون آلوین ویلی، ۳۳ ساله از Prince George در ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۳ بعد از اینکه توسط افسران RCMP با تفنگ تیزر مورد اصابت قرار گرفت، کشته شد.

۳- در اول مه ۲۰۰۴ پلیس ونکوور یک جوان ۲۵ ساله رومی به نام آندره چیکوف را با اسلحه تیزر از پای درآورد.

۴- در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۴، رابرت بگنال ۵۴ ساله با اسلحه تیزر توسط افسر پلیس ونکوور کشته شد.

× سرزمین یوکان Yukon territories:

کلارک وایت هاوز، ۳۴ ساله با اسلحه تیزر به وسیله افسران RCMP کشته شد.

× ایالت آلبرتا Alberta:

پنی رونالد، در ۲۳ مارس ۲۰۰۴ با اسلحه تیزر توسط افسر پلیس ادمونتون کشته شد.

× ایالت انتاریو:

۱- در ۱۳ مه ۲۰۰۴ پیتر لاموندای، کارگر باغبانی ۳۳ ساله تقریباً ۲۰ دقیقه بعد از اینکه توسط افسران سرویس پلیس لندن London police service (LPS) با استفاده از تفنگ تیزر مورد حمله قرار گرفت، کشته شد.

۲- در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۴ جری نایت، بوکسور نیمه حرفه‌ی ۲۹ ساله توسط افسر پلیس منطقه Peel کشته شد.

۳- در ۸ اوت ۲۰۰۴ samuel ttuscott 43 ساله به وسیله افسر پلیس Kingston کشته شد.

سازمان عفو بین‌الملل در ادامه گزارش خود به سوء استفاده گسترده پلیس کانادا از اسلحه تیزر حتی در مواقع غیر تهدیدآمیز نیز اشاره کرده و آورده است پلیس کانادا برای دستگیری افرادی که حتی مقاومتی از خود نشان نمی‌دهند و یا علیه تظاهرات غیر خشونت‌آمیز، از این اسلحه استفاده کرده است. این اقدام پلیس نقض آشکار استانداردهای بین‌المللی منع شکنجه، خشونت، رفتارهای غیر انسانی و تحقیر آمیز از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که از سال ۱۹۷۶ در کانادا به مرحله اجراء در آمده و کنوانسیون ضد شکنجه که در ۱۹۸۷ مورد تصویب کانادا قرار گرفت، می‌باشد. در ادامه عفو بین‌الملل موارد زیر را به عنوان

کشی در خانه‌های بومیان ۹۰ درصد از منازل غیر بومیان کانادا می‌باشد و ۱۰ هزار منزل مسکونی بومیان آب لوله کشی ندارند. تفاوت انتظار زندگی میان بومیان و غیر بومیان ۴/۶ سال می‌باشد. در منطقه نونویت آمار خودکشی در میان بومیان و غیر بومیان ۱۰ بار بیشتر از سطح ملی در کانادا می‌باشد. در زمینه حق مالکیت بومیان، بر اساس گزارشات منتشره، حق مالکیت بومیان بر زمین‌های آباء و اجدادشان از سوی دولت محترم شمرده نمی‌شود و حق آن‌ها بر منابع جنگلی و ماهیگیری در بسیاری از موارد شناسایی نشده است. شایان ذکر است، بومیان کانادا با جمعیتی نزدیک به ۳/۱ میلیون نفر، ۱۰ درصد جمعیت ۳۰ میلیونی کانادا را تشکیل می‌دهند.

بقیه از صفحه ۲۴

قد علم نمی‌کرد، امروز من اینجا در برابر شما نبودم." خانم پارکس در سن ۴۲ سالگی زمانی که به عنوان خیاط روزگار می‌گذراند تاریخ ساز شد.

'این حق من بود'

روز اول دسامبر سال ۱۹۵۵، او ضمن سرپیچی از مقررات، از دادن صندلی اش به یک مرد سفید پوست در اتوبوس شهری آلاباما خودداری کرد. او دستگیر و ۱۴ دلار جریمه شد. او از سال‌ها قبل از دستگیری اش در گروه‌های حقوق مدنی فعالیت می‌کرد و آن گروه‌ها در جستجوی یک مورد آزمایشی برای به چالش کشیدن قوانین تفکیک نژادی شهر بودند. دستگیری وی به تحریم ۳۸۱ روزه سیستم اتوبوس شهری که توسط جوان ناشناسی به نام لوتر کینگ ترتیب داده شده بود انجامید و لغو جدایی نژادی در سیستم حمل و نقل عمومی را به دنبال داشت.

خانم پارکس در سال ۱۹۹۲ درباره آن حادثه گفت: "دلیل واقعی بلند نشدن این بود که احساس می‌کردم این حق من است مثل همه مسافران با من رفتار شود. ما آنگونه رفتارها را بیش از حد تحمل کرده بودیم."

وی در سال ۱۹۹۶ نشان آزادی ریاست جمهوری را دریافت کرد و سه سال بعد مدال طلای پارلمانی که برترین نشان افتخار غیرنظامی است به وی اعطا شد.

حاصل بررسی خود را طی سند E/CN 2005/4/Add.3 به آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر نشست شصت و یکم مورخ ۱۴ مارس الی ۲۲ آوریل ۲۰۰۵ ارائه نمود. گزارش مزبور مبین مشکلات جدی و وضعیت اسفبار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بومیان کانادا می‌باشد. گزارش یاد شده ضمن انعکاس مشاهدات عینی گزارشگر ویژه، ارزیابی و دیدگاه‌های سازمان‌های دولتی و غیر دولتی کانادا در مورد مردم بومی این کشور را گردآوری نموده است. وی طی گزارش مزبور تصریح می‌نماید که شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی، رفاهی و کیفیت زندگی بومیان از دیگر کانادایی‌ها پائین‌تر است. فقر و مرگ و میر کودکان، شیوع بیماری، خشونت و فحشا در میان بومیان بیشتر از سایر کانادایی‌ها می‌باشد. دسترسی بومیان به آموزش و پرورش، استانداردهای بهداشتی، مسکن، منابع درآمد و فرصت‌های اقتصادی پایین‌تر از بخش‌های دیگر می‌باشد. گزارش با اشاره به سابقه محرومیت بومیان تاکید دارد که از زمان استقرار استعمار در کانادا از بومیان سلب مالکیت شده و دسترسی آن‌ها به منافع و فرهنگ محدود گردیده است.

در مورد زنان بومی، انجمن زنان بومی کانادا و دیگر موسسات ذیربط اعلام نموده‌اند که قریب به ۵۰۰ زن بومی طی ۵ سال گذشته به قتل رسیده و یا ناپدید شده‌اند. در حوزه مسایل قضایی، در گزارش آمده است که دادگاه عالی کانادا اعلام نموده که تبعیض سیستماتیک در سیستم کیفری وجود دارد. بومیان نسبت به اینکه حقوق آنها در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته، اما این شناسایی در سیاست‌های دولت رعایت نمی‌شود، ناراضی هستند.

در گزارش تصریح شده است که هنوز بومیان به تناوب قربانی تبعیض و نژادپرستی می‌باشند. انتظار زندگی در میان بومیان پائین‌تر و بیماری‌های مختلف در بین آنان شایع‌تر است و کودکان کمتری دوره دبیرستان را به پایان می‌رساند و تعداد محدودی به دانشگاه راه می‌یابند. ۶۰ درصد کودکان بومیان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، این در حالی است که در شهر وینینگ ۸۰ درصد بومیان ساکن این شهر زیر خط فقر به سر می‌برند.

وضعیت مسکن بومیان از جمله مشکلات جدی این جامعه می‌باشد، به گونه‌ای که خانه‌هایی که بومیان در آن سکونت دارند، نیاز به تعمیر جدی داشته و ۱۳۴۰۰ محل سکونت بومیان نیاز به تعمیر اساسی و ۶۰۰۰ خانه باید فوراً تغییر مسکن دهند. فقدان آب لوله

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN – C.P. 49552, Montreal, QC H3T 2A5

دکتر غلامعباس توسلی

نقش زنان در رشد و تحکیم دموکراسی



بحث از مدرنیته، مردم‌سالاری، جامعه‌ی مدنی، آزادی، برابری و تساوی حقوق و عدالت و مفاهیمی نظیر آن، بدون شناخت و برداشت صحیحی از شرایط زندگی و پایگاه و جای‌گاه اسنادی و انتسابی زنان در خانه و خانواده، در کار و اشتغال، در مشارکت و تصمیم‌گیری و بازمینی و بازشناسی و معنی‌بخشی به زندگی سیاسی زنان، ناقص و بی‌اعتبار است.

مساله‌ی جایگاه زن و نقش او در نظام اجتماعی جدید که زیر عنوان مردم‌سالاری معنی می‌شود، ریشه‌های عمیقی در تاریخ، سنت، مذهب و نظام‌های کهن اعصار و قرون گذشته دارد. مردم‌سالاری در عادات و آداب و سنن و رسوم اقوام و قبایل و باورها و اسطوره‌سازی‌ها و تقسیم کار جنسیتی که در عصر جدید مورد تردید و بحث و گفت‌وگو واقع شده به‌صورت ناتمام و ناقص در جوامع مدرن به ظاهر حل شده است، اما در محیط‌های عقب افتاده و غیر دموکراتیک که مردم‌سالاری (مدرن) مورد تردید و شک و حتی مورد بغض و کینه‌ی سنت‌گرایان ارتدکس واقع شده، به زحمت می‌توان پذیرفت که زن توانسته است پایگاه اجتماعی و سیاسی روشن و شفاف بیابد و بتواند احقاق حقوق از دست رفته‌ی خود را به عنوان یک موجود زنده صاحب اختیار و محق و سزاوار عدالت و آزادی به‌دست آورده قدر مسلم هنگامی می‌توانم از یک جامعه‌ی مردم‌سالار و آزاد، سخن بگویم که نیمه‌ی دیگر جامعه که زنان آن را تشکیل می‌دهند، آگاهانه در جامعه‌ی سیاسی مشارکت داشته باشند.

گفتمان زن و دموکراسی بدون شک از مجموعه روند تحولات اجتماعی و فرهنگی کل جامعه جدا نیست؛ و برعکس همه‌ی جنبش‌ها و اعمال اصلاحات اعم از اصلاحات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی که جامعه‌ی ایران طی یک‌صد سال گذشته در جست‌وجوی آن بوده، به‌صورت انقلابی مسالمت‌جویانه و با مبارزات مدنی نیاز بدان را فریاد و تکرار کرده است. این گفتمان، در بطن خود، حقوق و مطالبات زنان را که مورد ظلم مضاعف واقع شده‌اند نیز در بر می‌گرفته است؛ در نظام گذشته و سنتی زن به‌لحاظ اجتماعی و سیاسی، جز در چارچوب خانواده و مقام مادری

و همسری، وظیفه‌ی اجتماعی دیگری بر عهده نداشته است و به‌قول سیمون دوبوار زن همواره در سایه‌ی مرد زندگی می‌کرده و جنس دوم تقلی می‌شده است. این قاعده جز در موارد استثنایی و خاص در اکثر جوامع اعم از جوامع بدوی خط و سواد، تا جوامع پیشرفته‌ی صنعتی که دموکراسی تا حدی صادق بوده است. و نقش سیاسی و فرهنگی و اجتماعی زن مکتوم و نامرئی و موضعی بوده است؛ فلاسفه‌ای مثلی مارکس، زن در تاریخ را در قالب بهره‌کشی طبقاتی تحلیل کرده رهایی او را از رهایی طبقه‌ی بهره‌مند و استثمار شده و منافع طبقات بورژوازی جدا نمی‌دانستند. چیزی که تنها با یک انقلاب پرولتاریایی امکان تغییر آن وجود دارد؛

در دیدگاه دموکراسی لیبرال نیز زن علی‌رغم آزادی‌های که زنان به‌دست آوردند مثل حق اشتغال به کار و تلاش برای معاش که تحت شرایط و فشارهای زیاد یا دستمزد کم پذیرفته شده بوده، بیش از یک قرن طول کشیده است تا یک آزادی نسبی را در قلمرو سیاسی به‌دست آورد و هنوز حقوق انسانی زن، مانند حقوق کودکان در پرتو دفاع از حقوق بشر و حق آزادی نسبی قابل طرح است. با تغییر نقش‌ها و تعالی جایگاه زن به‌عنوان شرط یک مرد در جامعه‌ی مدنی و با افزایش سطح تحصیلات زنان و آگاهی و منزلت آنان این نقش دچار تحول خواهد شد. اما باید بدانیم که برای برقراری عدالت جنسیتی مانند سایر وجوه عدالت به زمان طولانی و تلاش‌های فراوان و خودباوری زنان و تحول عمیق و بینش تاریخی جامعه‌ی سنتی نیازمند است. عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراوانی در دوران حاضر در جهت خودآگاهی و رشد سیاسی زنان و طرح مطالبات آنان نه فقط در مقیاس ملی بلکه در عرصه‌ی بین‌المللی و در سایر کشورها به نفع جنبش‌های حقوق مدنی زنان و حضور آنان در صحنه‌ی سیاسی رقم خورده است که اگر به نتیجه‌ی مطلوب برسد می‌تواند آینده‌ی درخشانی را به نفع آنان نوید دهد. عمومیت یافتن تحصیلات، با ورود حدود ۶۰ درصد پذیرفته شدگان کنکور در دانشگاه و رشته‌های مختلف که افزایش کمی و کیفی حضور زنان را در فعالیت‌های اقتصادی و بالارفتن نرخ اشتغال آنان اجتناب‌ناپذیر کرده است. حضور چشم‌گیر و نقش تعیین‌کننده‌ی زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری اصلاحات در خرداد ۷۶ و ۸۰ مبتنی بر این نکته بود که اگر صحنه‌های سیاسی گشوده شود و فرصت‌های برابر با مردان پیش پای زنان پدید آید زمان در آینده‌ی نزدیک به نفع آنان تحول پیدا خواهد

پیشرفت دموکراسی (برابری) را تعیین می‌کند. مشارکت ضعیف زنان در انتخابات مجلس نمونه‌ی دیگری از آن است. در این‌جا نیز با توجه به این‌که وزن هر جنس در انتخابات فوق‌العاده ضعیف است، برابری در قانون به واقعیت نمی‌پیوندد.

بنابراین در پی انقلاب فرانسه و تصویب قانون اساسی و اعلامیه‌ی حقوق بشر و حق شهروندی که در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ اصل برابری بین همه شهروندان را مطرح می‌سازد، از آن زمان شهروندان منبع قدرت سیاسی هستند و هیچ فردی که از ملیت برنیامده باشد حق اعمال قدرت ندارد (ماده ۳ اعلامیه) اگر به‌خاطر بیاوریم که انقلاب فرانسه در آن زمان حق شهروندی را برای زنان و فقرا به رسمیت نمی‌شناسد و تنها در جمهوری حق رأی همه مردان به رسمیت شناخته می‌شود.

در مورد حق رأی برای زنان باید تا سال ۱۹۴۴ یعنی حدود یک‌صد و پنجاه سال پس از انقلاب منتظر بمانیم تا حق رأی برای زنان به رسمیت شناخته شود. و اصل و یک فرد یک رأی، برابری در سیاست را اعلام کند.

بنابر آنچه گذشت، در رابطه با نقش زن در گسترش و تعمیق دموکراسی، عوامل زیاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کار است که ممکن است بعضاً با هم در تضاد باشند؛ عواملی همچون شهرنشینی افزایش و گسترش سواد و تحصیلات جدید، پیشرفت دموکراسی در قانون و در عمل اجتماعی، گسترش انجمن‌های داوطلبانه (NGO) و علاقه و پایداری حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی و پذیرش استقلال نسبی زن به عنوان یک شهروند آزاد و به‌وجود آمدن تعادل بین کارخانه و کار و اشتغال بیرون و به‌خصوص خودباوری زنان و افزایش سطح فرهنگ سیاسی آنان و نقش تربیتی و تأثیری که بفرزندان و شوهران می‌توانند باقی گذارند، جزو عوامل مثبت و اثر بخش در استقرار دموکراسی در یک کشور است.

در مقابل، عوامل بازدارنده، همچون اصرار در حفظ روابط سنتی، منحصر ساختن مشارکت زن به کار خانگی و بی‌تفاوتی بخشی مهمی از آنان نسبت به مسایل سیاسی کشور و نارسایی و عدم وجود نهادها و مؤسسات آموزش فرهنگی، ایجاد محدودیت مشارکت در فعالیت‌های که به فعالیت‌های مردانه معروف شده‌اند، این اثر بخشی را در شرایط فعلی به حداقل خود تقلیل می‌دهد. به‌هر

بقیه در صفحه ۱۸

کرد و شکل‌گیری جامعه مدنی با حضور تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان و بنیان‌های مردم‌سالاری را در جامعه‌ی ما تقویت خواهد کرد. شکی نیست که ورود زنان به و عرصه‌ی سیاست و خودباوری آنان کمک قابل ملاحظه‌ای به توسعه‌ی دموکراسی و استقرار مردم‌سالاری کرده، اما نظام مردم‌سالار، برای آن‌که برابری به‌عنوان حق را به‌صورت یک واقعیت عینی به تحقق برساند، با چالش‌های زیادی همراه بوده و راه درازی را پیموده و موانع زیادی را از پیش‌پای خود برداشته است. استمرار نابرابری اقتصادی و اجتماعی بین زن و مرد حتی با وجود تحولات سیاسی برای سنجش میزان پیشرفت مطالبات زنان در زمینه‌ی احقاق حقوق تاریخی آنان بسیار آموزنده و عبرت‌انگیز است. در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی تحول پایگاه اجتماعی زنان بسیار کند و تدریجی بود و در عین حال شرایط متناسب‌تری را برای آنان به ارمغان آورده و آرام آرام با تحولات سیاسی همراه شده است.

شرایط و احقاق حقوق زنان در اروپا به‌خصوص در اواخر قرن نوزدهم بهبود نسبی پیدا کرده است اما علی‌رغم کاهش امتیازات مردان، در واقعیت هنوز سلسله مراتب میان مرد و زن در جوامع پیشرفته مانند فرانسه از بین نرفته و به قوت خود باقی است. این تغییرات که پس از گذشت حدود دو قرن، هنوز در کشورهای جهان سوم شکل مطالبات اجتماعی پیدا نکرده و پیشرفت و فعالیت در صحنه‌ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان اندک بوده است. خاصه مساله‌ی نقش خانوادگی زنان در برابر نقش اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برای بخش مهمی از جامعه، حالت تناقض‌آمیزی پیدا کرده است.

آمار، پیشرفت تدریجی را در قالب اصلاح قوانین و حقوق زن کم‌وبیش نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که مساله‌ی روشنی مثل حق رای دادن با یک قرن تأخیر پذیرفته شده است.

علیرغم این تغییرات و قانون‌گذاری در جهت تحقق برابری بین مرد و زن، امروز هنوز هم برابری شغلی بین زن و مرد وجود ندارد و اختلاف دستمزد هنوز زیاد است. چنان‌که در سال ۱۹۹۸ دست‌مزد زنان به‌طور متوسط ۱۹ درصد پایین‌تر از دستمزد مردان است و هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان به‌صورت پاره وقت کار می‌کنند، زیرا کار تمام‌وقت پیدا نمی‌کنند. پیش‌داوری در مورد استخدام، غیبت دو دوره‌ی بارداری و بچه‌داری را بهانه قرار می‌دهد و قوانین و سنت‌های زیادی وجود دارد که ناکام بودن

که بعد تبدیل به چیزی کاملاً متفاوت می شود، چیزی که من آن را یک فرقه می خوانم. سازمانی که آدم ها را و می دارد خودشان و نیز دیگران را بکشند.

ا.م.ک.: از نویسنده کتاب «شهیدان گمراه شده» می پرسم، کتاب وی چه اطلاعاتی را بر آنچه که قبلاً درباره تاریخچه مجاهدین خلق نوشته شده افزوده است؟

یودت نورینک: کتاب من داستانی را می گوید که خیلی ها نمی دانند. از مغزشویی آدم ها. از زندانی کردن دوستان و همزمان. از شکنجه یکدیگر. از وادار کردن آدم ها به رفتن به ایران و کشتن غیر نظامیان.

ا.م.ک.: روز پنجشنبه گذشته هنگام برگزاری جلسه معرفی کتاب «شهیدان گمراه شده» به دعوت ناشر کتاب، انتشارات کانتکت، شماری از حامیان سازمان مجاهدین خلق در برابر محل برگزاری این جلسه در شهر آمستردام هلند، با دادن شعار اعتراض خود را به محتوای کتاب و نویسنده آن نشان دادند. از یودت نورینک می پرسم آیا برای تکمیل نوشته اش، با اعضای کنونی مجاهدین خلق نیز گفتگو کرده است؟

یودت نورینک: دیدگاه

خود مجاهدین در کتاب منعکس شده است. من از همه نشریات آنها استفاده کرده ام. اما تجربه به من نشان داده



که حرف زدن با اعضای مجاهدین خلق مثل گوش دادن به یک نوار ضبط شده است که سوزن آن گیر کرده است. همیشه یک چیز می گویند: اینکه سازمان هیچ عیبی ندارد و هر عیبی که هست از حکومت ایران است. نتیجه ای که گرفته ام این است که این سازمان آن چیزی که تظاهر می کند نیست. بر خلاف آن چیزی که به آمریکایی ها می گوید، جایگزین بالقوه ای برای رژیم کنونی ایران نیست. نتیجه اصلی که گرفته ایم این است که مراقب باشید. این سازمان خطرناک است.

ا.م.ک.: قرار است ترجمه این کتاب ۳۰۰ صفحه ای از زبان هلندی به زبان های انگلیسی و فارسی در آینده نزدیک چاپ و منتشر شود.

تاریخچه ۴۰ ساله مجاهدین خلق در «شهیدان گمراه شده»

(Misleide Martelaren)

شکنجه همزمان، مغزشویی و وادار کردن به کشتار غیرنظامیان

امیر مصدق کاتوزیان: بر مجموعه کتاب های مربوط به تاریخچه و فعالیت های سازمان مجاهدین خلق، یکی دیگر افزوده شد.



به جز انتشارات خود این سازمان که نقطه نظر رسمی رهبران

کنونی آن را بازتاب می دهد، در سال های گذشته کتاب های دیگری نیز در این زمینه منتشر شده است، هم در تهران نوشته اعضای اولیه این سازمان که پیش از انقلاب مسیر خود را از مسعود رجوی، رهبر کنونی این تشکل جدا کردند، و هم در خارج از کشور، شامل خاطرات اعضای سابق که پس از دوره فعالیت در سازمان جدا شدند. به خصوص پس از سه سرفصل تاریخی: نخست پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق در تیر ۱۳۶۷ و کشته شدن بیش از هزار تن از اعضای این سازمان در عملیات معروف به «فروغ جاویدان» و عملیات متقابل معروف به «مرصاد»، دوم پس از دفع تجاوز حکومت صدام حسین به کویت و سوم پس از سرنگونی حکومت صدام حسین.

در سال های پس از انقلاب در کنار روایت های منعکس کننده دیدگاه های رهبری کنونی و اعضای سابق مجاهدین خلق، شماری از دانشگاهیان، مورخان و گزارشگران هم بر این مجموعه کتاب هایی افزوده اند، بازتاب دهنده نقطه نظر نویسندگان ایرانی، اما عمدتاً خارجی.

«شهیدان گمراه شده» (Misleide Martelaren) تازه ترین کتاب درباره تاریخچه ۴۰ ساله مجاهدین خلق را یکی از گزارشگران روزنامه ترو، از روزنامه های اصلی چاپ هلند نوشته است. یودت نورینک Judit Neurink، درباره انگیزه خود از نوشتن این کتاب می گوید:

یودت نورینک: یکی دو سال پیش اعضای مجاهدین در کشورهای اروپایی در اعتراض به بازداشت مریم رجوی خودسوزی کردند. این باعث شد که من به این فکر فرو بروم که چرا آدم ها اینکار را می کنند. چرا عضو گروهی سیاسی می شوند

بهرام محبی

فلسفه ی حقوق بشر (گفتار دهم)**دستاوردهای فلسفه ی روشنگری برای حقوق بشر**

گوتفرد ایفراهم لسینگ، از متفکران عصر روشنگری و مدافع سرسخت تساهل و رواداری و آزادی ادیان و اندیشه

انسان دوران جدید، بریده از تکیه گاه آسمانی و رها شده در روی زمین، دیگر نمی تواند برای حفظ خویشتن به مراجع متعال و متافیزیکی متکی باشد و به ناگزیر باید روی پای خود می ایستاد. این وضعیت تازه ولی ناخوشایندی بود که انسان در آن صرفاً به مدد خرد خودبنیاد و مدرن می توانست رفتار عملی حقوقی و اخلاقی خود را در چارچوب منافع عمومی جامعه و برای حفظ خویشتن متعین سازد. ضروری بود که به این نیاز انسان مدرن برای حفظ خویشتن، برپایه های اخلاقی و حقوقی محکم و استوار، پاسخی درخور داده شود.

انسان دوران جدید، بریده از تکیه گاه آسمانی و رها شده در روی زمین، دیگر نمی تواند برای حفظ خویشتن به مراجع متعال و متافیزیکی متکی باشد و به ناگزیر باید روی پای خود می ایستاد. این وضعیت تازه ولی ناخوشایندی بود که انسان در آن صرفاً به مدد خرد خودبنیاد و مدرن می توانست رفتار عملی حقوقی و اخلاقی خود را در چارچوب منافع عمومی جامعه و برای حفظ خویشتن متعین سازد. ضروری بود که به این نیاز انسان مدرن برای حفظ خویشتن، برپایه های اخلاقی و حقوقی محکم و استوار، پاسخی درخور داده شود.

فلسفه ی روشنگری، شالوده های نظری حقوق بشر در دوران جدید را مستحکم ساخت و برای آن شاخص ها و تعریف های روشنی ارائه کرد. در فلسفه ی روشنگری، خرد انسانی به مثابه تنها سنجیدار تعیین حق طبیعی مطرح شد و سلطه ی آموزه های دینی و متافیزیکی در این زمینه بی اعتبار اعلام گردید. دیگر اراده ی یک فرد یا جمع کوچکی از نخبگان برای تعیین مصلحت انسانها کافی

نبود و آنچه که اعتبار روزافزون می یافت، خرد جمعی شهروندان آگاهی بود که طبق رهنمود روشنگری از عقل خود استفاده می کردند. روشنگری برای اولین بار در تاریخ بشریت، ایده ی آزادی و برابری همه انسانها را سرلوحه ی کار خود قرار داد و بر شالوده ی سه پایه ی حق حیات، حق آزادی و حق مالکیت، بنیادهای محکمی برای حقوق بشر پی ریزی کرد. ایده های حاکمیت مردم و تقسیم قوا در عصر روشنگری، به ستونهای پایدار آزادیهای بنیادین شهروندان تبدیل شد.

بر طبق اندیشه ی روشنگری، حقوق بشر قابل تعطیل و یا واگذاری نبود و به زمان و مکان خاصی بستگی نداشت. در فلسفه ی روشنگری، اندیشه ی حقوق بشر به آنچنان درجه رفیعی از تعالی معنوی خود رسید که تا امروز هم بالاتر از آن چیزی قابل تصور نیست. روشنگری بر درفش خود، این گفتار آموزگار بزرگ اخلاق ایمانوئل کانت را نقش کرد که شایسته و بایسته انسان آنچنان رفتاری است که بشریت را در وجود هر شخصی، همواره به مثابه یک غایت و نه هرگز همچون وسیله ای به شمار آورد. اندیشه های فلسفه ی روشنگری در گستره ی عمل، در میدان های آتش و خون جنگ استقلال طلبانه ی آمریکا و انقلاب کبیر فرانسه صیقل خورد و آبدیده شد و سرانجام در اعلامیه ی استقلال آمریکا و نخستین اعلامیه ی حقوق بشر و حقوق شهروندی در فردای انقلاب فرانسه به ثمر نشست.

به این اعتبار، حقوق بشر به مفهوم امروزی آن، یکی از محصولات اندیشه ی دوران جدید است. پیش شرط آن، نگاهی ویژه به عالم و آدم است. از زاویه ی این نگاه، انسان جایگاهی مرکزی اشغال می کند و در کانون عالم می ایستد. حرمت انسان، بر چکاد جهان قرار می گیرد. کنش اخلاقی او، ناشی از ایده ی منزلت خود او به مثابه ذات خردمندی است که از هیچ قانونی تبعیت نمی کند، مگر قانونی که خود مقرر کرده است. برای فلسفه ی روشنگری، حرمت انسان از منظر فایده مندی قابل فهم نیست. چنین حرمتی اساساً فایده ای در بر ندارد، زیرا که از آن نمی توان استفاده ی ابزاری کرد. این حرمت، وسیله ای در خدمت هدف نیست، بلکه غایتی فی نفسه است. یعنی اینکه از طریق غایتی مافوق خود، تعدیل و تعطیل بردار نیست. انسان مدرن، به حرمت ذات خود متعهد است. نه برای اینکه از این حرمت چیزی عاید او می شود، بلکه به این دلیل که چنین حرمتی فی نفسه وجود دارد. ضابطه ی

افراد، یاس و نومیدی حاکم برنسل جوان و بسیاری ناهنجاری‌های دیگر نتیجه‌ی عملکرد حاکمیت در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است. در بعد اقتصادی نیز رواج انحصارات، اشاعه بیکاری، تورم، فرار مغزها، پول شوئی، فساد گسترده مالی بویژه در نزدیکان هرم قدرت، برخوردهای قضایی گزینشی و دوگانه باحیف و میل کنندگان ثروتهای ملی و در بعد بین‌المللی، دیپلماسی واکنشی و دشمن‌تراش، بی‌برنامه و ضدملی همه و همه نشان از ناکارآمدی ساختار حاکمیت دارد.

هموطن!

کاربرد واژگان دولت و یا حکومت اسلامی در گفتگوها، سخنرانی‌های اخیر و حتی در متن پاره‌ای از احکام صادره به جای جمهوری اسلامی، آیا نشان از بی‌اعتقادی بر کرسی قدرت نشستگان جدید به جمهور مردم نیست؟ آیا با شعار، می‌توان بر معضلات غلبه کرد؟ ولی حاکمیت که از دادن شعار ابایی ندارد، به راستی کلاه چپ نهاده و راست می‌رود. آیا کابینه‌ی نظامی - امنیتی با تفتیش عقاید قادر به مهرورزی خواهد بود؟ آیا مبارزه با فساد بوسیله برخی از کسانی که در، درازای سالیان گذشته نبض اقتصاد کشور را در بنیادهای غیر پاسخگو به ملت و دیگر مراکز اقتصادی در سایه، در دست داشته‌اند می‌تواند انجام گیرد؟ آیا آنان که از مزیت فرودگاهها و اسکله‌های پنهان و آشکار و قاچاق بهره برده‌اند و نتیجه عملکردشان، مردم را به تباهی و سیه روزی نشانده است! می‌توانند در نیل به عدالت و رفع محرومیت‌ها نقش ایفا کنند؟ هرگز.

هم میهن!

پرونده‌ی فعالیتهای هسته‌ای ایران به گونه‌ی شمشیر داموکلس بر بالای سر ایرانیان درآمده است، جاه‌طلبی، ندانم‌کاری و پنهان‌کاری کاربردستان سبب گردید که حقوق ملت ایران تضییع شود و تعلیق مندرج در قطعنامه‌ی ۲ سپتامبر ۲۰۰۳ که معنای موقتی بودن آن را به‌مراه داشت اینک در سایه رفتار نسنجیده به توقف کامل و دائمی غنی‌سازی منتهی شده است. ناپختگی‌های برکسی قدرت نشستگان بعدی و کاربرد شعار به جای شعور، برندگی این شمشیر را تیزتر و حیات و تمامیت ارضی کشور را در معرض مخاطره قرار داده است. ما هرگز با زورگوئی قدرتهای بزرگ خارجی به ویژه در فعالیتهای هسته‌ای موافق نبوده و استانداردهای دوگانه را نیز به رسمیت نمی‌شناسیم ولی با اینکه خربزه را عده‌ای می‌خورند

تضمین چنین حرمتی، خرد بشری است. خردگرایی، رکن اساسی اندیشه‌ی دوران جدید است. خردگرایی یعنی پذیرش مرجعیت عقل در تبیین امور و تبعیت محض از آن، به مثابه ضابطه و معیار اصلی در همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها.

یکی از خصائل ذاتی حقوق بشر، اعتبار آن به مثابه حقوقی اخلاقی است. یک حق اخلاقی، زمانی وجود دارد که هنجاری که متضمن آن است، از اعتباری اخلاقی برخوردار باشد. و یک هنجار، زمانی اعتبار اخلاقی دارد که در مقابل هر کس که استدلال عقلی را بپذیرد، توجیه پذیر باشد. پس حقوق بشر، از طریق استدلال عقلی، در مقابل هر کس که به خرد به مثابه معیار ارزیابی و ارزشگذاری تمکین کند، قابل دفاع است.

بقیه از صفحه ۱

مناطق کردنشین میهن‌مان شاهد بودیم به سلطه خود ادامه دهد. حاکمیت بدون توجه به حق شهروندی، آزادیهای اساسی، تعهدات بین‌المللی، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و با نادیده انگاشتن حقوق و آزادیهای پیش‌بینی شده‌ی ملت در قانون اساسی مورد قبول و ادعای خود و با مصالحه و مصادره به مطلوب حقوق و منافع ملی به حیات امنیتی خود ادامه میدهد. غافل از اینکه در عصر اطلاعات، ارتباطات، بیداری ملتها و آشنائی آنها با حقوق خود، دیگر دوران این سیاست‌ها و تاکتیکها به سر آمده است.

هم میهنان!

امروز رسانه‌های همگانی دولتی که با برخورداری از امکانات ملت دایرند، در امر تبلیغ یکسویه و کسل‌کننده به تمجید حاکمیت مشغولند به این امید واهی که در شستشوی مغزی ملت موفق شوند، اکثر مطبوعات، رسانه‌ها و سایت‌های نقدکننده حاکمیت به محاق توقیف یا سانسور حکومتی (فیلترینگ) دچار شده و روزنامه‌های وابسته به حاکمیت آزادند، اندک روزنامه‌های موجود نیز یا زیر تیغ سانسور دولتی هستند و یادست به خودسانسوری زده از ترس مرگ، خودکشی می‌کنند. بنیان باورهای دینی مردم بدلیل دروغگویی، اعمال خلاف حق و حقیقت دکانداران دین حکومتی یا ازبین رفته و یا سست شده است. رواج افسارگسیخته اعتیاد، سقوط ارزشهای اخلاقی و خانوادگی، تجاوز به عنف، قتلها، خودکشی‌ها، ترورهای سیاسی (قتلهای زنجیره‌ای)، تجاوز به حقوق شهروندی یکدیگر در برخوردها و دست‌اندازی به حوزه خصوصی

سیاسی و دفاع از حقوق خود در آینده‌ی نزدیک نهادینه کنند و زن‌ها بتوانند به استقرار در رشد دموکراسی در معنای جامع و وسیع آن نقش تاریخی خود را ایفا کنند.

Keslasy, E 2003 Democraxie etegalite Bereal, pnvis

بقیه از صفحه ۱۹

بطوری که هنگامیکه سازمان سیا برای بکار بردن شکنجه شدیداً به کسی احتیاج داشته باشد، فرد زندانی را به کشورهای قبیل مصر و مراکش می فرستد. زیرا شکنجه گران آنها را ما خودمان تربیت کرده ایم و دیگر نیازی نیست که دستهای خودمان را آلوده کنیم. سازمان عفو بین المللی اسنادی را در باره بکار بردن شکنجه توسط ایالات متحده آمریکا در زندانهای مخفی و در گوانتانامو در گزارشی جمع آوری نموده است. یکی از کسانی که بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشد، چهار سال در گوانتانامو اسیر بوده است، یک شهروند مصری است بنام سامی لایتی Sami Leithi که باقی عمر خود را باید در صندلی چرخدار بماند.

" مرا به هر نحوی که در تصور بگنجد شکنجه کردند، هم روانی و هم بدنی. مدتی مرا در سلولی که کوچکترین رابطه ای با خارج نداشت، زندانی کردند. نه چیزی را می توانستم ببینم و نه بشنوم. بدون کوچکترین اثر حسی. روزانه ۲۴ ساعت زیر نورافکن های قوی. بسیار وحشتناک بود. یک روز ۶ نگاهبان وارد سلول شدند و مرا از ناحیه سر و پشت زیر کتک گرفتند. فکر می کردم دیگر نمی توانم تحمل کنم. بعدها معلوم شد که ستون فقراتم را شکسته اند."

بقیه از صفحه ۲۳

ICFTU یکبار دیگر، مصرانه از شما می خواهد که اقدامات لازم را برای لغو فوری احکام صادره علیه محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور به عمل آورید. من اطمینان دارم که بیگناهی همکاران ما که نامشان در بالا ذکر شد، در مرحله بعدی روند قضایی، کاملاً ثابت خواهد شد. منتظر اقدامات فوری و قاطع شما در این موارد هستم با احترام، دبیر کل

و لرز آن را ملت شریف ایران تحمل کند نیز موافق نیستیم. آنچه روشن است این بحران‌سازی از سوی قدرتمندان داخلی نه به منظور استیفای حقوق ملت ایران، بلکه برای مصرف داخلی و انحراف مبارزان ایرانی در احقاق حقوق اولیه‌ی خود در تأمین آزادی و دموکراسی است. همه آگاهند که برای ملت ایران مهمتر از مسأله اتمی و هرگونه اقدام دیگر، تأمین آزادی و استقرار حکومتی مردم سالار هدف اصلی است. با استقرار حکومت ملی منبعث از مردم نه نگرانی‌های ادعایی قدرتمندان جهانی موردی خواهد داشت و نه اولویت‌های اصلی برنامه‌های پیشرفت علمی و عمرانی کشور زیر سؤال خواهد رفت و امکان دسترسی به بخشهای گوناگون علوم و فنون را فراهم خواهد آورد.

هموطنان عزیز!

لازم است به حاکمیت هشدار دهیم که حکومتگران، خدمتگزاران مردم‌اند و هیچکس در هیچ مقامی مجاز نیست خود را حکمران مطلق مردم بداند و امور مقننه، قضائی و اجرائی کشور را یکجا در اختیار گرفته و در ریز و درشت کلیه‌ی مسائل دخالت کند ولی به هیچ مرجعی پاسخگو نباشد و هر از گاه نقش اپوزیسیون به خود گرفته، از دیگران انتقاد کند. ما امضاکنندگان بدور از هرگونه خشونت، برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن این زخمهای ژرف و خروج کشور از بن‌بست‌های پیش‌رو، خواستار اعمال اصلاحات راستین ساختاری بر مبنای اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و الحاقیه‌های آن و تأمین آزادی‌های اساسی، عدالت و حکومت قانون با همکاری و حضور دلسوزان ملت که خارج از هرم قدرت حاکمیت هستند، می‌باشیم و از تمامی آزادیخواهان ایران که به استقلال و آزادی ایران می‌اندیشند، می‌خواهیم، در فرصت باقیمانده پیش از آنکه در اثر سیاست‌های ویرانگر و واپسگرایانه‌ی حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال، آزادی و امنیت کشور در معرض خطر بیشتر قرارگیرد، از آنجمله در برخورد با پرونده‌های هسته‌ای و حقوق بشر (که اجماع بین المللی بی‌سابقه‌ای را علیه میهن‌مان شکل داده است) و خسارات جبران ناپذیری بوجود آورد، به تلاش همه جانبه در این راه برخیزند. امضای ۶۷۴ نفر فعال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی

بقیه از صفحه ۱۴

صورت باید انتظار آن را داشته باشیم که با ورود زنان به عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی آنان را برای حفاظت

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات
بارفشارآلمان، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار

گیرد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

حمید بهشتی

شکنجه با ۵۰ سال تحقیقات در خدمت سازمان سیا



از دهها سال پیش شکنجه سیاست و کار سازمان سیا و ارتش آمریکا است و از آنجائی که شکنجه مدرن برای شکنجه گر به صورت عادی درآمده است، شکنجه گران غالباً خودشان نیز نمی دانند که شکنجه می کنند.

پژوهشهای آلفرد دلبیو مک کوی، استاد علم تاریخ دانشگاه ویسکنسین مادیسن واقع در ایالات متحده آمریکا نشان داده است که سازمان سیا در طی ۵۰ سال کار تحقیقاتی و مطالعه پیرامون شکنجه و با صرف بودجه ای بیش از ۱۳ میلیارد دلار، امروزه در اقصی نقاط جهان شکنجه را امری عادی نموده است. آلفرد مک کوی در دهه ۱۹۹۰ متوجه حساسیت موضوع شکنجه گشته و آغاز به تحقیقات در این زمینه نمود. وی آلمان در سفری که به فلیپین رفته بود، حاصل تعلیمات شکنجه را از جانب آمریکائیان بر پرسنل ارتش فلیپین مشاهده نموده، مورد بررسی قرار داد و نتیجه تحقیقات خود را در کتابی تحت عنوان "نزدیکتر از برادران" (Closer Than Brothers) در سال ۱۹۹۹ منتشر نمود. اما با مشاهده تصاویر شکنجه های ابوغریب برای وی مسلم گشت که تمامی عملیات شکنجه در دوران جنگ سرد چونان مقدمه ای بوده است که نتایج آنرا امروزه مشاهده می کنیم. به همین جهت وی مجدداً به پژوهش در این زمینه پرداخت.

تحقیقات وی پیرامون ۵۰ سال اعمال شکنجه توسط سازمان سیا و ارتش آمریکا مدارک کوبنده ای را بر علیه آمریکا بدست می دهند. چه در عراق، در افغانستان و یا گوانتانامو، ایالات متحده آمریکا در مقابله با تروریسم به روشهایی متوسل میشود که از دوران جنگ سرد و باصرف بودجه ای هنگفت، با تکیه بر تحقیقات علمی ایجاد و هر چه بیشتر تکمیل و مورد تجربه قرار گرفته و به دیگران آموزش داده اند. تجربیات بدست آمده در آزمایشاتی که با استفاده از مواد مخدر و وهم آور، شوک

الکتربکی و جداکردن کلیه توانائی های حسئی اسبیر از خارج به عمل آمده، نهایتاً به روشهای شکنجه گری فاقد تماس و روانی فوق العاده کوبنده ای تبدیل گشته اند. حاصل این مطالعات و آزمایش ها در کتاب بسیار حجیمی، حاوی دستورالعمل های اعمال شکنجه مندرج گشته و در سطح جهان، در آسیا و آمریکای لاتین بکار میرود. از جمله به ویتنامی ها آموزش می دادند چگونه با بکار گیری این روشها افراد ویت کنگ را از راههای روانی بازجوئی نموده، نقاط ضعف آنها را یافته، شکنجه و آخرسر نیز به قتل رسانند.

به نظر مک کوی تصاویر ابو غریب نیز نشاندهنده همان فنون شکنجه گریست که سازمان سیا طی ۵۰ سال ایجاد و در سراسر گیتی گسترش داده است. شکنجه های ابوغریب بر اساس دستورالعمل های کتبی و با آگاهی و دستور مقامات بالا در دولت آمریکا انجام میشود. آنها مقدمات پایدالی حقوق بین المللی را که در مبارزه با تروریسم انجام شد، سالها پیش فراهم کرده بودند. در ژانویه سال ۲۰۰۲ آلبرتو ار کنزالس، وزیر دادگستری فعلی ایالات متحده و مشاور حقوقی کاخ سفید در آن زمان در یادداشتی، به پرزیدنت بوش توصیه کرده بود که در مبارزه با القاعده مقررات مربوط به تحریم شکنجه در کنوانسیون ژنو را فاقد موضوعیت تلقی نماید. در اکتبر همان سال فرمانده بخش بازجوئی در گوانتانامو تقاضای مجاز شمردن شکنجه را در گوانتانامو نمود. یک سال پس از آن به دستور دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا رسماً بکار بردن شکنجه در مورد مهمترین زندانیان القاعده صادر شد. به گفته مک کوی این کار ابتدا با شکنجه چند نفر آغاز گشت، سپس شامل بر صدها تن در گوانتانامو شد که پیش از آن در افغانستان نیز اعمال می گشت و اکنون به شکنجه هزاران تن در عراق رسیده است. شکنجه به سرعت شگفت آوری گسترش می یابد. زیرا امر بسیار فریب انگیزیست و رگه های تاریک ضمیر انسانی را مورد مخاطب قرار داده، اگر یک بار مجاز گردد، دیگر قابل کنترل نمی باشد.

در حالیکه افشای این شکنجه ها افکار عمومی سراسر جهان را به اعتراض بر انگیزت، مقامات رسمی آمریکا با بی تفاوتی با آن برخورد نمودند. ایالات متحده به جای آنکه شکنجه را کنار بگذارد، از آن پس انجام آنرا به دول دوست خود واگذار نمود.

بقیه در صفحه ۱۸

مصاحبه گر: بهنام باوندپور

آقای سلطانی در حقیقت ایشان کفاره‌ی چیز دیگری را می‌دهد.

امروز تعدادی از شخصیتهای سیاسی، فرهنگی و مدافع حقوق بشر، به عنوان اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده عبدالفتاح سلطانی و کیل زندانی، و با خواست آزادی او در منزل خانواده سلطانی جمع شدند. صدای آلمان در مورد علل برگزاری این نشست اعتراضی و نیز موانع وجود بر سر راه رسیدگی به پرونده عبدالفتاح سلطانی، با نرگس محمدی از اعضای «کانون مدافعان حقوق بشر» و شیرین عبادی رییس این کانون و از سخنرانان نشست مذکور گفتگو کرده است.

ب. ب: خانم نرگس محمدی، گویا امروز صبح عده‌ای از چهره‌های سرشناس سیاسی و مدافع حقوق بشر در منزل آقای عبدالفتاح سلطانی جمع شدند. ممکن است بفرمایید هدف از دیدار از خانواده‌ی سلطانی چه بود و چه شخصیتهای از چه نهادهایی در این جمع حضور داشتند؟



نرگس محمدی: با گذشت ۱۰۴ روز از بازداشت آقای عبدالفتاح سلطانی، وکیل و عضو «کانون مدافعان حقوق بشر» و «کانون وکلای دادگستری ایران»، جمعی از فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر و دانشجویان، امروز در منزل آقای سلطانی بمدت ۲ ساعت یک نشست اعتراضی داشتند. در این نشست از جریانات سیاسی از «نهضت آزادی» آقای دکتر ابراهیم یزدی، از جریانات ملی مذهبی آقایان یوسف اشکوری، سعید مدنی، رحمانی و از «کانون مدافعان حقوق بشر» خانم عبادی، آقای سیف زاده، آقای دادخواه و من بودم، و از «انجمن دفاع از حقوق زندانیان» آقای باقی و آقای یداله اسلامی، از «انجمن معلمان ایران» ۵ نفر به نمایندگی از سازمان شان تشریف آورده بودند و از سوی دانشجویان و «دفتر تحکیم وحدت» آقایان عبدالله مومنی، مهدی امین زاده و از فعالان سیاسی آقای کیوان صمیمی و آقای فریبرز رییس دانا از «کانون نویسندگان ایران» در این نشست حضور داشتند. و جمعی از دوستان آقای سلطانی از «کانون وکلای دادگستری» و وکلای کمیسیون حقوق بشر در «کانون وکلای دادگستری» آقای اسماعیلی و آقای کاکوانی نیز تشریف داشتند.

ب. ب: در منزل آقای سلطانی چه صحبت‌هایی شد و آیا شخصیت‌های شرکت کننده به توافق نظری برای اقدامهای بعدی‌شان رسیدند؟ نرگس محمدی: در مجموع این نشست نشستی اعتراضی بود. یعنی دوستان و فعالان سیاسی و حقوق بشری برای

اعلام اعتراض برای تداوم بازداشت آقای سلطانی و همراهی و همدردی با همسر ایشان تجمع کرده بودند و برنامه‌ی دیگری انجام نشد.

ب. ب: خانم محمدی الان تقریباً آن مهلت حدود یک هفته یا ۱۰ روزی که طرفداران آزادی آقای سلطانی برای رسیدگی به وضعیت ایشان معین کرده بودند و قرار بود اگر به پرونده‌ی آقای سلطانی رسیدگی نشود، دست به تجمع اعتراضی بزنند به سر آمده است. آیا حالا در فکر برگزاری آن تجمع اعتراضی هستید؟

نرگس محمدی: بله، آرام آرام فکر می‌کنم با توجه به قولهایی که داده شده بود از سوی قوه قضاییه، مبنی بر آزادی آقای سلطانی و پیگیری وضعیت ایشان، حالا که نتیجه‌ای خاصی نداده فکر می‌کنم که فعالان حقوق بشر و فعالان سیاسی اقدامات دیگری را مد نظر قرار بدهند.

ب. ب: سرکار خانم عبادی، امروز صبح شما هم در نشست اعتراضی در منزل آقای عبدالفتاح سلطانی شرکت داشتید و سخنرانی کردید. ممکن است رؤس سخنرانی خود را



بربشمردید؟ شیرین عبادی: من بعنوان یکی از وکلای آقای سلطانی خلاصه‌ای از پرونده‌ی حقوقی ایشان را به اطلاع حاضرین که برای اعلام همبستگی با آقای سلطانی و خانواده شان گردهم آمده بودند بیان کردم و اعتقاد خودم را هم گفتم. به اعتقاد من آقای سلطانی صددرصد بیگناه است و در حقیقت ایشان کفاره‌ی چیز دیگری را می‌دهد.

ب. ب: ممکن است بگویید این «چیز دیگر» چه چیزی است؟ شیرین عبادی: آقای سلطانی سالهاست از زندانیان سیاسی - عقیدتی با شهادت کامل و مجانا دفاع می‌کند و متأسفانه از دید برخی از افراد اینطور است که کسی که از زندانی سیاسی دفاع می‌کند الزاماً باید با او هم همسو باشد. در حالیکه اینطور نیست. مگر یک وکیلی که از قاتل دفاع می‌کند، آیا در قتل شریک است! آقای سلطانی از گروههای مختلف سیاسی تا بحال دفاع کرده است و هدفشان هم در حقیقت دفاع از آزادی عقیده و بیان در ایران است

هستند که می‌توانند قوانین را نادیده بگیرند، و دقیقاً خطاب آقای سلطانی هم به این افراد است و اعلام جرم هم به این مناسبت.

ب. ب.: خانم عبادی، آیا رییس قوه قضاییه، آقای شاهرودی، برای رسیدگی به پرونده‌ی آقای سلطانی نفوذی دارند؟ تجربه‌ی تاکنونی شما چه هست؟

شیرین عبادی: من به آقای شاهرودی نزدیک نیستم که ببینم نفوذ ایشان چقدر است و اساساً دستگاهی بنام «نفوذسنج» اختراع نشده است. من فقط این را می‌دانم که در مواردی چند آقای شاهرودی بخشنامه‌هایی صادر کردند و دستوراتی دادند که مورد توجه مقامات اجراکننده قرار نگرفته است.

ب. ب.: پس شما پاسخ مرا دادید. یعنی آقای شاهرودی از نفوذ چندانی برخوردار نیستند!

شیرین عبادی: من پاسخ شما را به همان صورتی که گفتید تکرار می‌کنم، برای اینکه بایستی دید که دستوردهنده تا چه میزان برای اجرای دستورهایش هم پافشاری می‌کند. فراموش نکنید، گاهی اوقات رییس به مرئوس اش دستوری می‌دهد برای اجرا و وقتی که مرئوس اجرا نمی‌کند، اساساً کار را به بالاتر می‌کشند و رییس می‌گوید، من دیگر از امروز کار نمی‌کنم در اداره‌ای که کارمندا حرف من را نمی‌خوانند. اما، گاهی از اوقات خود رییس هم مدارا می‌کند. اینست که من دقیقاً نمی‌توانم به شما بگویم که کدامیک از این شقوق است و گفتم که پاسخ من به این سوال، با توجه به اینکه دستگاهی هنوز مبنی بر «نفوذسنجی» اختراع نشده، دشوار است. من فقط از آنچه اتفاق افتاده تاکنون صحبت می‌کنم.

ب. ب.: ولی خانم عبادی، شما با توضیح و تحلیلی که ارائه دادید، نشان دادید که راه‌های هم برای «نفوذسنجی» وجود دارند. سرکار خانم عبادی سپاسگزارم.

بقیه از صفحه ۲۵

در نتیجه این عمل دستان زندانی قطع گردید.

دیدار سازمان عفو بین‌المللی

مقامات ایران به تقاضای سازمان عفو بین‌المللی جهت دیدار نماینده اش جوابی نداده‌اند. (با این وجود) در ماه ژوئن (خرداد) علیرغم مخالفت مقامات ایرانی یک نماینده سازمان عفو بین‌الملل موفق شد همراه نماینده حقوق بشر اتحادیه اروپا در تهران شرکت نماید.

و بس. آقای سلطانی به هیچ حزب و گروه و دسته‌ای متعلق نیستند و کاملاً مستقل‌اند، و صرفاً به آزادی بیان و اندیشه می‌اندیشند و از بنیانگذاران «کانون مدافعان حقوق بشر» هستند. یعنی تنها جایی که آقای سلطانی عضو است همین «کانون مدافعان حقوق بشر» است که یک موسسه‌ای ست مربوط به حقوق بشر. اما، متأسفانه، برخی از مقامات این مسئله را بخوبی درک نمی‌کنند و فکر می‌کنند وقتی از یک متهم مربوط به «براندازی» و یا متهم به «جاسوسی» کسی دفاع می‌کند، الزاماً همسو با اوست.

ب. ب.: خانم عبادی، آیا شما ارتباطی میان دستگیری و زندانی شدن آقای سلطانی با پرونده‌ی قتل خانم زهرا کاظمی می‌بینید؟

شیرین عبادی: آنچه من گفتم بطور کلی بود. یعنی هم در ارتباط با پرونده‌ی قتل زهرا کاظمی ست و هم در ارتباط با تمام پرونده‌هایی که آقای سلطانی با شجاعت تمام از آنها دفاع کرده‌اند و یادمان باشد، ۳ سال قبل هم باز مجدداً آقای سلطانی به اتهام دفاع از گروه ملی - مذهبی زندان رفتند و آقای دادخواه هم محکوم به زندان شدند. یعنی در واقع دومین بار است که آقای سلطانی برای دفاع از موکلین اش به زندان می‌رود.

ب. ب.: خانم عبادی، آقای سلطانی از وکلای خودشان خواسته بودند تا علیه قضاتی که برایشان پرونده ساخته‌اند اعلام جرم کنند. آیا وکلای آقای سلطانی دست به چنین کاری زده‌اند یا می‌خواهند بززند؟

شیرین عبادی: آقای سلطانی قبل از اینکه به زندان اعزام شوند متنی را نوشته بودند، دائر بر اعلام جرم علیه برخی که اتهاماتی متوجه آنها بود از باب عدم رعایت قوانین و گفتند که هر زمانی که اعلام کردم شما این را مطرح بکنید و طی فاکسی، که روز قبل به منزل شان از زندان آمده بود، ایشان اعلام کردند که به وکلا بگویید پرونده‌ی من را به جریان بیندازند. و در نتیجه گروه وکلا حسب دستور آقای سلطانی دائر بر اعلام جرم مبنی بر عدم رعایت نظامات قانونی، اینکار را باید انجام بدهد.

ب. ب.: خانم عبادی، فکر می‌کنید مانع اصلی را در راه رسیدگی به پرونده‌ی آقای سلطانی در کجا باید جست؟

شیرین عبادی: مانع اصلی را در اینجا باید جست و جو بکنیم که عده‌ای خود را فراتر از قانون می‌دانند و فکر می‌کنند در موقعیتی

ترجمه: ن. نوریزاده

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد

مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ / قطعنامه A 2200

قدرت اجرائی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶



قسمت اول:

دیباچه:

دولت‌های عضو این میثاق:

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهائی از ترس میباشد و دستیابی به این شرایط فقط بوسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است، با توجه به منشور ملل متحد، دولت‌ها متعهد برعایت و احترام به حقوق و آزادی‌های انسان و ترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق میباشند، (دولت‌های عضو این میثاق) با مواد زیر موافقت میکنند:

بخش یکم

ماده اول

۱- تمام ملت‌ها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.

۲- تمام ملت‌ها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاری‌های اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده است)

ثروت‌ها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.

۳- دولت‌های عضو این میثاق، از جمله دولت‌های مسئول اداره کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم

۱- هر دولت عضو این میثاق متعهد میشود که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود، حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده ای دیگر، و همچنین اصل و منشاء اجتماعی یا ملی، دارائی، نسب و یا وضعیت های دیگر، محترم شمرد و تضمین نماید.

۲- هر دولت عضو این میثاق در جائیکه قوانین و تدابیری پیش بینی نشده است، متعهد میباشد که اقدامات لازم را بنابر روند قانونگذاری خود و مقررات این میثاق بعمل آورد. اتخاذ چنین قوانین و تدابیری بمنظور اجرای حقوق شناخته شده این میثاق میباشد.

۳- هر یک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:

الف: تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادی‌هایش که در این میثاق برسمیت شناخته شده است، نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت موثر داشته باشد، هرچند این نقض بوسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته اند.

ب: تضمین نماید، فردی که درخواست جبران خسارت میکند، باید بوسیله مقامات صالح قضائی، اداری و قانونگذاری و یا بوسیله هر مقام دیگری که بواسطه نظام قانونی کشور مقرر میگردد (مورد رسیدگی قرار گیرد) و همچنین امکانات جبران خسارت قضائی و حقوقی (تظلم خواهی) توسعه یابد.

ج: تضمین نماید که مقامات صالحه در صورت محرز شدن چنین خساراتی وادار به جبران شوند.

ماده سوم

دولت‌های عضو این میثاق تعهد مینمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود. بقیه در صفحه ۲۴

باشند، و نیز مراحل قضایی آتی بطور عادلانه، شفاف و در صورت امکان، با حضور ناظران بین المللی انجام گیرد.

ما از اطلاع رسانی بیشتر به شما در این مورد، کوتاهی نخواهیم کرد. پیش از آن اما سپاسگزار خواهیم بود اگر شما، همان گونه، که در بالا درخواست شد، در اسرع وقت ممکنه، با تماس با دولت ایران در این مورد دخالت کنید.

با احترام - دبیر کل

دومین نامه ی دبیر کل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری به احمدی نژاد

۱۴ نوامبر ۲۰۰۵

آقای رئیس جمهور محترم

متعاقب نامه قبلی ام به شما، مورخه ۱۰ نوامبر ۲۰۰۵، در مورد احکام دادگاه سقز، مجددا شما را خطاب قرار می دهم تا اعتراض شدید خود را نسبت به احکام زندان برای محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور ابراز کنم.

به اطلاع کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU) رسیده است که دادگاه انقلاب سقز، محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور را نیز هر کدام به دو سال زندان محکوم کرده است. به این ترتیب پنج نفر از هفت نفری که در آغاز متهم شده بودند، یعنی سه نفر بالا بعلاوه محمود صالحی و جلال حسینی به زندان محکوم گردیده اند و دو نفر دیگر (هادی تنومند و اسماعیل خودکام) تبرئه شده اند.

به باور ICFTU محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور نیز، مانند محمود صالحی و جلال حسینی به دلیل فعالیت های سندیکایی محکوم شده اند. به ویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که همه آنان در ابتدا در رابطه با شرکت در جشن روز اول ماه مه ۲۰۰۴ دستگیر شدند، و در زمان کوتاهی بعد از آن، مورد اتهام قرار گرفتند.

به باور ICFTU صدور این احکام نشان می دهد که دولت شما هیچ احترامی برای حقوق اولیه اتحادیه ای مانند آزادی تجمع قائل نیست. ICFTU مایل است یکبار دیگر تاکید کند که کمیته آزادی تجمع سازمان جهانی کار (ILO) پیش از این، از دولت شما خواسته است که اتهامات نسبت داده شده به این هفت نفر از رهبران کارگری، در ارتباط با مراسم اول ماه مه ۲۰۰۴ در سقز را

بقیه در صفحه ۱۸

پس بگیرید.

دبیر کل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری

خواستار دخالت سازمان جهانی کار و لغو احکام زندان فعالین کارگری



به دنبال محکومیت دو تن از فعالین جنبش کارگری در ایران، آقایان محمود صالحی و جلال حسینی هر کدام به ترتیب به پنج سال زندان و سه سال تبعید و سه سال زندان، دبیرکل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری طی نامه های جداگانه ای خطاب به سازمان جهانی کار و احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی خواستار مداخله در این محاکمات ناعادلانه و تامین حقوق این فعالین و لغو احکام صادره شده است. متن این دو نامه که از طرف «اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران» منتشر شده است، به شرح زیر است:

درخواست ICFTU از دبیرکل سازمان جهانی کار برای دخالت در مورد احکام زندان برای فعالین کارگری

به دبیر کل سازمان جهانی کار

آقای سوموویا

ما از شما تقاضا می کنیم که از سوی محمود صالحی و جلال حسینی که به خاطر شرکت در جشن روز اول ماه مه ۲۰۰۴، دیروز، ۹ نوامبر ۲۰۰۵ هر کدام به ترتیب به پنج سال زندان و سه سال تبعید و سه سال زندان محکوم شدند، ضمن تماس با دولت ایران در این مورد شخصا مداخله کنید.

این موضوع، بویژه از این لحاظ برای ما اهمیت دارد که آقای صالحی، به احتمال قریب به یقین، به دلیل ملاقات ایشان با فرستادگان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری ICFTU به زندان محکوم شده است، و نیز اینکه دولت ایران درخواستهای کمیته آزادی تجمع سازمان جهانی کار ILO مبنی بر لغو تمام اتهامات را نادیده گرفته است.

جزئیات بیشتر در این مورد، در نامه پیوست که برای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور فرستاده ایم، آمده است.

در چنین موقعیتی، من امید دارم که ILO مایل است که لزوم احترام به حقوق بنیادی اتحادیه ای و احترام به درخواست های نهادهای ناظر در ILO را به مقامات ایران یاد آور شود. من بویژه مایلم تاکید کنم که این برای متهمین، مهم است که آنان از حقوق کامل برای درخواست فرجام نسبت به احکام صادره برخوردار

رزا پارکس نماد جنبش حقوق مدنی سیاهان آمریکا درگذشت



رزا پارکس، زن سیاهپوستی که اقدام اعتراض آمیزش در سال ۱۹۵۵ در ایالت آلاباما علیه مقررات نژادی نقطه آغاز نمادین جنبش حقوق مدنی سیاهان آمریکا قلمداد می شود، در سن ۹۲ سالگی درگذشته است.

خودداری خانم پارکس از واگذاری صندلی اش در یک اتوبوس شهری به یک مرد سفیدپوست و بازداشت متعاقب وی، به تحریم گسترده سیستم حمل و نقل عمومی توسط سیاهان منجر شد و به اعتراضات گسترده تر دامن زد.

کشیش جوانی به نام مارتین لوتر کینگ که بعدا رهبری جنبش مدنی سیاهان را به عهده گرفت سازماندهی آن تحرکات را به عهده داشت.

جنبش اعتراضی او در نهایت به تصویب قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ منجر شد که هرگونه تبعیض نژادی در آمریکا را ممنوع می کرد.

وکیل خانم پارکس گفت او در خانه اش در شهر دیترویت، در ایالت میشیگان، در حالی که خواب بود درگذشت.

وی دست کم از یک سال قبل از اختلال مشاعر رنج می برد. جسی جکسون از رهبران جنبش مدنی سیاهان آمریکا در اشاره به اقدام خانم پارکس در سال ۱۹۵۵ گفت: "او نشست تا بلکه همه ما برخیزیم و دیوارهای جدایی فروریخت."

وی گفت میراث خانم پارکس برای همیشه زنده خواهد ماند و افزود: "از بسیار جهات، تاریخ به دو قسمت قبل و بعد از رزا پارکس تقسیم می شود."

ادوارد کندی، سناتور دموکرات، از ماساچوست گفت: "ملت ما زنی دلیر و یک قهرمان واقعی را از دست داده است."

او افزود: "نبرد بی سر و صدای او برای کسب برابری، زنگ آزادی را برای میلیون ها نفر به صدا در آورد."

کوامی کیلپاتریک، شهردار سیاهپوست دیترویت گفت: "او سرمشق همه مردم بود. اگر او بر جای خود نمی نشست و همزمان

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۲۲

ماده چهارم

۱- کشورهای عضو این میثاق در زمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید میکند و وجود آن پیشامد بطور رسمی اعلام گردیده است، میتوانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آنرا بنا بر وضعیت و مقتضیات بعمل آورند، مشروط براینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.

۲- (این اقدامات) نباید خارج از مواد ۶-۷-۸ (بند ۱ و ۲) ۱۱-۱۵-۱۶ این قانون (میثاق) انجام گیرد.

۳- هر یک از کشورهای عضو این میثاق که از (حق) پیشامدهای اضطراری این پیمان استفاده میکند، باید بلافاصله موارد پیشامد اضطراری و دلایلی که موجب این اضطرار شده است را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به دیگر کشورهای عضو پیمان اطلاع دهد. (همچنین این کشور) اطلاعیه ای (مبنی بر ذکر) تاریخی که این پیشامد اضطراری پایان می پذیرد را صادر نماید و از طریق همان واسطه (دبیر کل) به اطلاع دیگر کشورهای عضو برساند.

ماده پنجم

۱- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق میگردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده است، ایجاد نماید.

۲- هیچ نوع محدودیت و یا تخلف از حقوق اساسی بشر که در قوانین، پیمان نامه ها، آئین نامه ها و یا عرف هر یک از کشورهای عضو این پیمان شناخته شده است و یا وجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) به رسمیت شناخته نشده است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده است، پذیرفته نخواهد بود.

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد ماده ۱۹

اعلامیه جهانی حقوق بشر

بقیه از صفحه ۲۶

در جولای (تیر ماه) انجمن دفاع از حقوق زندانیان اجازه فعالیت یافت، اهداف این انجمن آشنا کردن زندانیان و خانواده آنها به حقوقشان و حمایت از آموزش زندانیان است. اعضای هیئت (رئیس) این انجمن متهم به "تحریک سیاسی" افراد شدند. برای مثال عماد الدین باقی به جرم نشر و تبلیغ علیه (رژیم) محکوم به یکسال زندان شد. او در ابتدای ماه جولای (تیر) هنگامی که برای شرکت و ایراد چند سخنرانی در کنفرانس حقوق بشر در آفریقا شمالی کشور را ترک میکرد، گذرنامه وی را توقیف کردند.

در ۱۰ و ۲۸ اکتبر (آبان) محبوبه عباسقلی زاده و امید معاریان بمدت چند هفته و به جرم حمایت از سازمانهای غیر دولتی در وبلاگ های خود، بازداشت شدند. همچنین دهها روزنامه نگار و مدافعین حقوق بشر و فعالان اجتماعی احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. این افراد مجبور شدند در بازداشتگاه ها اقرار و اعتراف کنند، که بنا به گزارش هیئت دولت اقرار آنان تحت شکنجه بازجویان صورت گرفته بود.

اصلاحات قانونی

در ماه مارس (اسفند) خاتمی لایحه ای را که به مجلس (هفتم) جهت وسعت بخشیدن به قدرت و اختیارات رئیس جمهوری و ممانعت از رد صلاحیت های نامزدهای انتخاباتی مجلس توسط شورای نگهبان، تقدیم کرده بود، پس گرفت.

در ماه می (اردیبهشت) مجلس (هفتم) بار دیگر رای به عدم پیوستن ایران به میثاق بین المللی مخالفت با شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده سازمان ملل داد. مجلس قبلی (دوره ششم) پیوستن به این میثاق را تصویب کرده بود که در آگوست (مرداد) ۲۰۰۳ از طرف شورای نگهبان رد شد.

در آوریل (اردیبهشت) رئیس قوه قضائیه مستقیما استفاده از شکنجه را در بازجویی ها ممنوع اعلام نمود.

در ماه می (اردیبهشت، خرداد) قانونی مبنی بر " مشروعیت بخشیدن به آزادیها و رعایت حقوق شهروندی" تصویب شد. این قانون شامل مقرراتی در مخالفت با اشکال شکنجه میباشد.

در ژوئن (خرداد) مجلس جدید (هفتم)، طرحهایی را که از طرف مجلس قبلی (دوره ششم) راجع به حقوق اقلیت های مذهبی و تساوی حقوق زنان با مردان در مورد ارث و اعتلای حقوق زنان به رسمیت شناخته شده بود را بازپس گرفت.

در آگوست (مرداد) شورای نگهبان طرح پیوستن ایران به میثاق بین المللی حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان سازمان ملل را رد نمود.

مجازات مرگ، شکنجه و دیگر مجازاتهای خشن و غیر انسانی

حداقل ۱۵۹ نفر در سال ۲۰۰۴ اعدام شدند که یکی از آنها زیر ۱۸ سال قرار داشت. افراد دیگری که حداقل ۱۰ نفر آنها در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بودند، محکوم به مرگ شدند. علت این محکومیت ها که از سوی دادگاه عالی قضائی مورد تأیید قرار گرفته اند نامعلوم است. اعتقاد بر این است که ارقام حقیقی این اعدام ها بمراتب بیشتر از تعدادی است که اعلام شده است.

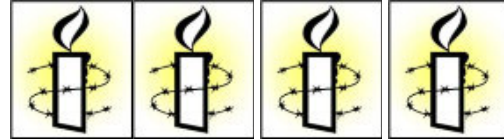
مجازات اعدام با اتهاماتی چون "محراب با خدا" و "جرم های اخلاقی" ادامه دارد. این جرمها هیچکدام مطابق با معیار های بین المللی نیست.

در ۱۵ آگوست (مرداد) بنا بر گزارش عاطفه رجبی ۱۶ ساله اعدام شد. او بعد از برگزاری یک محاکمه غیر عادلانه و ناهنجار محکوم به مرگ شده بود. قاضی که در ملاء عام به او توهین میکرد، در هنگام صدور رای به بیماری اختلال حواس او توجهی ننمود. (قاضی خود طناب دار را به گردن عاطفه انداخت) حداقل ۳۶ نفر محکوم به ضربات شلاق شدند. گفته میشود که تعداد محکومین به این نوع مجازات بسیار بیشتر از تعداد یاد شده است. محسن مفیدی در ماه فوریه (بهمن) محکوم به مجازات شلاق شد. او در حین اجرای حکم در اثر ضربات شلاق فوت نمود. در مورد مرگ نامبرده هیچ تحقیقی از سوی مقامات صورت نگرفته است. در نوامبر و دسامبر (آبان و آذر) یک نوجوان بنام لیلا مافی که ناتوانی ذهنی داشت و حاجیه اسماعیلوند به جرم اعمال خلاف عفت عمومی محکوم به مرگ به شیوه سنگسار شدند. اعتراضات داخلی و بین المللی باعث توقیف حکم اعدام آنها شد. افسانه نوروزی که در سال ۲۰۰۳ محکوم به مرگ شده بود، پرونده اش به شورای مصلحت نظام واگذار شده است. شکنجه در بیشتر زندانهای (رژیم جمهوری اسلامی ایران) بطور منظم و متداول ادامه داشته است. در جولای (تیر) رئیس زندان شهر دذفول واقع در جنوب ایران در ارتباط با حادثه ای که از طرف رفتار یکی از ماموران او نسبت به یک زندانی سیاسی انجام گرفته بود، از کار برکنار شد. این مامور دستان زندانی را به پنکه سقفی بسته بود که

ترجمه: ن. نوری زاده

متن کامل گزارش سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) سازمان عفو بین الملل**در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران**

این گزارش از ماه ژانویه (دیماه) الی دسامبر (بهمن ماه) ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) را شامل میشود.



قسمت آخر

مصونیت

مصونیت از طرف قوه قضائیه برای ناقضین حقوق بشر باعث بی ثباتی و عدم اعتماد نسبت به این دستگاه شده است. همچنین نارضایتی از قوانین قضائی و رفتارهای مغرضانه و جانبدار قوه قضائیه مورد تصدیق فعالین حقوق بشر قرار گرفته است.

در جولای (تیر) محاکمه محمد رضا اقدم احمدی، مامور وزارت اطلاعات به اتهام شرکت در "قتل شبه عمد" زهرا کاظمی، عکاس و روزنامه نگار که در بازداشتگاه (اوین) در سال ۲۰۰۲ فوت کرد، برگزار شد. این محاکمه که دو روز به طول انجامید، نامبرده را تبرئه نمود. بعد از تبرئه محمد رضا اقدم احمدی، سخنگوی قوه قضائیه اعلام نمود که مرگ زهرا کاظمی باید در نتیجه یک تصادف اتفاق افتاده باشد. در حالیکه طبق گزارش پزشک قانونی، زهرا کاظمی به قتل رسیده است. شاهدان بین المللی و نماینده ویژه سازمان ملل در امور آزادی بیان و عقیده و استقلال قضات و کیلان و امور شکنجه، نقض و قبحانه قوانین در بررسی این پرونده را محکوم کرده اند. بنا بر حکم دادگاه، دولت موظف است بطور قانونی خون بهای متوفی (زهرا کاظمی) را پرداخت نماید، زیرا هیچ مقصری در رابطه با قتل وی شناخته نشده است. خانواده زهرا کاظمی تقاضای دادخواست و تجدید نظر در حکم دادگاه را نموده اند که تا پایان سال به این تقاضا نامه واقعی نهاده نشده است. منوچهر و اکبر محمدی و احمد باطبی که در پی اعتراضات دانشجویی سال ۱۹۹۹ بازداشت، شکنجه و در یک دادگاه غیر علنی و ناعادلانه محاکمه شدند، احتیاج به مداوا دارند. در این رابطه نسبت به ادعای آنان مبنی بر جراحاتشان در بازداشتگاه ها هیچ نوع رسیدگی بعمل نیامده است. ۶ سال بعد از قتل ۲ فعال سیاسی و ۳ نویسنده که در ایران به قتلهای زنجیره ای معروف است، هیچ گونه اقدامی جهت محاکمه آمران و عاملان این قتلها صورت

نگرفته است. در سال ۱۹۹۹ اعلام گردید که این قتلها بوسیله ماموران دولتی انجام گرفته است. در خلال سال وزیر سابق اطلاعات قربانعلی دری نجف آبادی فردی که در پرونده قتلهای زنجیره ای "مبرا" شناخته شد، (از طرف سید علی خامنه ای) به دادستان کل منصوب شده است.

ناصر زرافشان مدافع حقوق بشر و وکیل خانواده ۲ فعال سیاسی که در سال ۲۰۰۲ در یک دادگاه غیر عادلانه و فرمایشی محکوم شده است، هنوز در زندان بسر میبرد.

مدافعان حقوق بشر

با وجود اینکه از ثبت سازمانهای غیر دولتی و مستقل جلوگیری بعمل می آید و نیز مدافعان حقوق بشر همواره با محدودیت ها بی در مورد برنامه های خود روبرو هستند، شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۳ توانست به رشد و افزایش اعتماد عمومی نسبت به لزوم رعایت حقوق بشر در جامعه مدنی کمک شایانی نماید.

مدافعین حقوق زنان علیه تبعیض در سیستم قضایی ایران اعتراض کردند. آنها مدعی شدند که حکم بعضی از مجرمین در آخرین دقایق متوقف و آنها بخشوده میشوند. بقیه در صفحه ۲۵

**جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران**

Society of Human Rights in Iran

- از آنجا که هر فردی میتواند بدون هیچگونه تبعیضی از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره مند گردد.

- از آنجا که هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادیهای را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر گردیده است، تامین نماید و آنها را بموقع اجراء گذارد.

- از آنجا که حقوق انسانی را باید با وضع و اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج به قیام برضد سلطه انسان بر انسان مجبور نگردد.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران تامین حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای مردم ایران وجهه کوشش و همت خود قرار میدهد. از مقدمه اساسنامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN - C.P 49552 - Montreal, QC H3T 2A5